



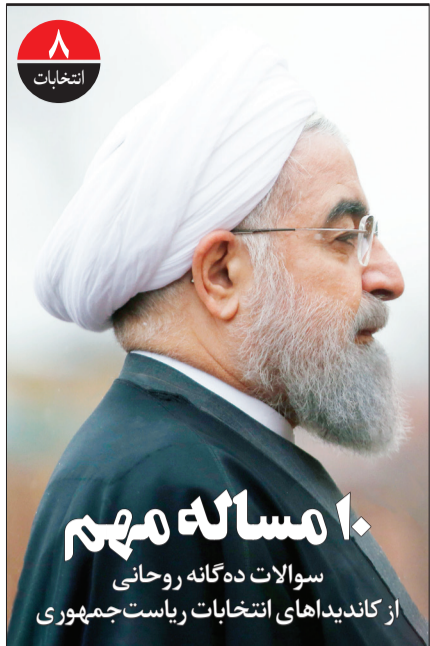
بی میلی کارگردانان  
بی انگیزگی سینماگران برای ساخت فیلم‌های تبلیغاتی



محدودیتی اعمال نشده  
پاسخ کتابخانه ملی به گزارش سازندگی



صداهایی که باید شنید  
عمادالدین باقی



۱۰ مسأله مهم  
سوالات ده‌گانه روحانی  
از کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری

یادداشت روز

پزشکیان، بدون روتوش

چرا مسعود پزشکیان بازیگری متفاوت است؟



علی اعطا  
عضو پیشین شورای شهر تهران  
و عضو حزب اتحادملت ایران اسلامی

سقوط بالگرد رئیس‌جمهور و برنامه‌ریزی برای برگزاری انتخابات زودهنگام، مجالی باقی نگذاشت تا کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری، فرصتی برای ارائه برنامه داشته باشد.

به جز یکی از کاندیداها، که از قضا وزیر دولت رئیسی نیز بود و با یک مجلد از برنامه دولت احتمالی‌اش، عکس یادگاری گرفته بود؛ البته به نظر می‌رسد در شرایط انتخابات زودهنگام، انتظار ارائه تصویری پردازش‌شده - و احياناً روتوش‌شده - از کاندیداها، با قواعد واقع‌گرایی سازگار نیست.

انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۳ در مقایسه با انتخابات ۱۴۰۰ دارای دو تفاوت اصلی است. نخستین تفاوت، ارتقای آشکار سطح رقابت سیاسی نسبت به انتخابات پیشین است. این نکته عموماً از منظر فعالان سیاسی و احزاب اصلاح‌طلب قابل طرح و درک است. دومین تفاوت، برگزاری انتخابات زودهنگام به دلیل درگذشت رئیس‌جمهور محترم در سانحه بالگرد است؛ که این نکته و تبعات و نتایج آن، موضوع اصلی یادداشت ماست. عموماً مطرح می‌شود که ریاست‌جمهوری ابراهیم رئیسی محصول یک روند چند ساله است که مسیر او را برای پذیرش سمت ریاست دولت هموار کرده است. رئیس‌جمهور فقید با طی طریقی چندین ساله، از مسئولیت‌های مختلف در دستگاه قضا و تولید آستان قدس و ریاست قوه قضائیه، در انتخاباتی به ریاست قوه مجریه رسید. او مجال آن را داشت تا تصویری از خود، مناسب پایگاه سیاسی و اجتماعی و متناسب با شرایط از خود بسازد. برخی دیگر از کاندیداهای این رقابت نیز از زمره کاندیداهای حرفه‌ای و حاضر به یراق در هر انتخابات ریاست‌جمهوری بوده‌اند. در این میان، انتخابات زودهنگام پیش‌رو فرصتی را نصیب اصلاح‌طلبان کرده است که در زمین انتخابات ریاست‌جمهوری حاضر شوند. زمینی که سال‌هاست کمتر امکان بازی مستقیم در آن را داشته‌اند، یا به تعبیر رایج از طریق کاندیداهای نیابتی در صحنه حاضر شده‌اند. این بار اصلاح‌طلبان با شرط قاطع عدم حمایت از کاندیدای نیابتی، بالاخره موفق شدند، یکی از سه کاندیدای رسمی خود را از مجرای شورای نگهبان بگذرانند و بازیگر زمین بازی انتخابات شوند. با اعلام نتیجه بررسی صلاحیت‌ها، برخی فعالان سیاسی گمان بردند، امواج انگیزه‌بخشی که در میان آنها به جریان افتاده است در فضای اجتماعی نیز مابه‌ازایی متناظر دارد. در قبول و رد این گزاره هنوز نمی‌توان سخن دقیقی گفت اما پس از نخستین گفت‌وگوی خبری دکتر پزشکیان که سه‌شنبه‌شب از تلویزیون پخش شد، زمره‌هایی تقادانه در میان برخی فعالان اصلاح‌طلب نسبت به ایشان مطرح شد. به گونه‌ای که می‌توان به مطالبه برای تغییر گفتمان، انتقاد نسبت به فقدان ایده اقتصادی و حتی مطالبه برای تغییر سیاق ظاهری در رابطه با ایشان اشاره کرد.

به گمان من در این رابطه باید به چند نکته اشاره کرد. نخست اینکه آقای پزشکیان کاندیدایی است که اولاً به دلیل برگزاری انتخابات زودهنگام در ماه‌های گذشته برای پاستورنشینی تدارک ویژه‌ای ندیده بود ثانیاً در حوزه اقتصادی ادعایی ندارد، اگر در این حوزه داد سخن سر داده بود، می‌شد به او ایراد و اشکال وارد کرد.

ادامه در صفحه ۲

# سازندگی گزارش می‌دهد: فشار به جلیلی برای کناره‌گیری



قالبی‌ها از جلیلی خواسته‌اند؛ در انتخابات به‌نفع قالبی‌ف کناره‌گیری کند • جلیلی‌ها به قالبی‌ف گفته‌اند؛ شما رئیس یک قوه هستید پس شما به‌نفع جلیلی کناره‌گیری کنید • **کنایه جلیلی به قالبی‌ف: مقام ریاست‌جمهوری، مقام اجرا به‌معنای پیمانکار نیست. جایگاه تشخیص و تصمیم است • پاسخ قالبی‌ف‌ها به جلیلی: کاش برخی کاندیداها حداقل پیمانکاری ساخت یک ساختمان را در رزومه‌شان داشتند**



### کانال سازندگی

#### رابطه کاندیداها با مشارکت

ورود پزشکیان به انتخابات ریاست جمهوری موجب ایجاد سه قسطی میان او، قالیباف و جلیلی شده است. آنچه در این میان تعیین کننده است، میزان مشارکت در انتخابات است. محسن هاشمی رفسنجانی درباره سناریوهای موجود در صحنه انتخابات به «انتخاب» گفت: ما تنها با یک سناریو در صحنه فعلی مواجه هستیم. سناریو این است که یک اصلاح طلب داریم و ۵ اصولگرا؛ یعنی اصلاح طلبان باید با ۵ اصولگرا رقابت کنند. او درباره وضعیت آرا پورمحمدی در صورت انصراف بیان کرد: از الان نمی توان تحلیل سبب آرا داشت و در این باره فعلاً صحبتی نداریم. هاشمی درباره احتمال پیروزی پزشکیان در دور اول گفت: آقای پزشکیان موج خوبی ایجاد کرده است. نظرسنجی ها نشان می دهد که مشارکت از ۴۰ درصد سال ۱۴۰۰ و ۹۸ به نزدیک ۵۰ درصد رسیده است. از این به بعد تلاش خود آقای پزشکیان و گفتمانشان می تواند اصلاح طلبان را به پیروزی برساند. وی اضافه کرد: اگر مشارکت زیر ۴۰ درصد باشد، افرادی مثل جلیلی رای می آورند، اگر به ۵۰ درصد برسد، شاید قالیباف در دور اول پیروز شود، اما اگر مشارکت به سوی ۶۰ درصد برود، شانس پزشکیان بیشتر است.

#### رفع کم و کاستی های دولت قبل

میرتاج الدینی که خود کاندیدای این دور از انتخابات بود و درصلاحتی شد، تاکید دارد که بهتر است اصولگرایان و جریسان انقلابی در نهایت روی یک کاندیدا با رای بیشتر اجماع کنند. محمدرضا میرتاج الدینی، نماینده پیشین مجلس در پاسخ به این سوال که ترکیب کاندیداها باید صلاحیت شده برای انتخابات ریاست جمهوری را چطور می بینید؟ به خبرنگاری خبرآنلاین گفت: نماینده جبهه های سیاسی کشور در بین نامزدها حضور دارند بنابراین به نظر می رسد که شاهد یک انتخابات رقابتی باشیم. وی با اشاره به شرایط فعلی کاندیداها افزود: نامزدهایی که برای انتخابات ریاست جمهوری تایید صلاحیت شدند دارای سوابق اجرایی و مدیریتی روشنی هستند که در مناظرها و گفت و گوهای شان این مهم برای مردم بیش از پیش روشن خواهد شد.

### ادامه یادداشت روز

#### پزشکیان، بدون روتوش

درست است که ایشان ابتدای گفت و گوی ویژه خبری گفت که ما قرار نیست برنامه جدید بنویسیم و سیاست جدید اجرا کنیم و این نکته محل انتقاد برخی از فعالان اصلاح طلب شده است؛ اما به گمانم برای فهم دقیق تر مواضع ایشان باید نکته دیگری را مدنظر قرار داد. کسانی که حداقلی از آشنایی با ساختار تصویب طرح و برنامه های توسعه دارند، می دانند دولتی که بر سر کار می آید، قاعدتاً باید مصوبه جاری و ساری برنامه توسعه ملاک عمل را در دستور کار دارد. اما در همان پنج دقیقه آغازین گفت و گو، سخن واقع گرایانه پزشکیان ذکر این نکته بود که گفت: «اگر در ارزیابی ها مشخص شود در برنامه یا نیروها نواقصی وجود دارد باید اصلاحاتی در آن شکل بگیرد.» (نقل به مضمون)

طبیعی است که اگر بنا بر اصلاح مواردی از قوانین یا مفاد مصوبه برنامه باشد، مسیر دیگری جز این نمی توان تصور بود و البته تردیدی هم نیست که حتماً آقای پزشکیان و همراهان ایشان در صورت پیروزی در انتخابات با چنین مواردی روبه رو خواهند بود که باید با همراهی کارشناسان و متخصصین برخی قوانین و طرح و برنامه ها اصلاح شود. در اینجا برای تقریب ذهن می توان به طرح و برنامه های غیرواقعی گرایانه و پراشکالی همچون ساخت ۴ میلیون واحد مسکونی در ۴ سال اشاره کرد که علاوه بر تعداد زیادی از کارشناسان حتی برخی از دست اندرکاران دولت آقای رئیسی نیز به ناممکن بودن آن اذعان کرده اند.

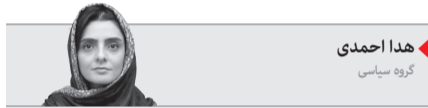
نکته دیگر اینکه، برخی از دوستان نسبت به ادبیات، گفتار و گفتن آقای پزشکیان و حتی سبک و سیاق ظاهری ایشان در منظر عمومی نقد وارد کرده اند. درحالی که باید توجه داشت ایشان با مجموعه خصایص و خصوصیتی که می شناسیم طی چندین دهه در آذهای عمومی جای خود را باز کرده و این گونه است که پزشکیان، پزشکیان شده است. او نه مانند دیگر کاندیدای محترم و فرهیخته، دکتر آخوندی، به زبان فرهیختگان جامعه سخن می گوید و نه همچون مدیر برجسته و توانمندی همچون دکتر جهنگیری، گفتن تکونکراتیک را نمایندگی می کند. پزشکیان گفتن دیگری دارد. او را روتوش شده نخواهیم. پزشکیان، پزشکیان است.

#### تأثیر دولت بر امنیت

محمد مخبر: جمع بندی دستاوردهای دولت و اطلاع رسانی شایسته نسبت به آنها اهمیت دارد و عرصه دیپلماسی از موفق ترین حوزه های کاری دولت مردمی با محوریت شخص شهید رئیسی و همراهی شهید امیر عبداللهمیان است و به سرپرست وزارت امور خارجه ماموریت داد برای روایت هنرمندانه دستاوردهای دولت در عرصه دیپلماسی و تأثیرات آن بر بخش های اقتصادی، سیاسی و امنیتی کشور اقدام کند.

#### سازندگی گزارش می دهد:

# فشار به جلیلی برای کناره گیری



هدا احمدی  
گروه سیاسی

سعید جلیلی کاندیدای جبهه پایداری و خالص سازان، محمدباقر قالیباف دیگر کاندیدای اصولگرا را پیمانکار خواند و گفت: «مقام ریاست جمهوری مقام اجرا به معنای پیمانکاری نیست. جایگاه تشخیص و تصمیم است.» این سخن بلافاصله در عموم شبکه های اجتماعی به کنایه سعید جلیلی به محمدباقر قالیباف تعبیر شد. چه آنکه قالیباف در اولین برنامه تلویزیونی خود به کار اجرایی خود در نیروی انتظامی و شهرداری تهران پرداخت و دستاوردهای خود که به تعبیر جلیلی «پیمانکار» بود را به رخ کشید.

این جمله البته با واکنش تند هواداران قالیباف روبه رو شد و یک به یک به صف شدند تا جواب جلیلی را بدهند. به عنوان نمونه مجید رفیعی که از فعالان رسانه های تیم قالیباف بوده و هست و اکنون نیز در سازمان مناطق آزاد مشغول به کار است در

پاسخ، جلیلی را «خیالیاب» خواند و نوشت: «صاحب برنامه وقتی پشتوانه کارنامه نداشته باشد صرفاً یک خیالیاب خواهد بود. عرصه ریاست جمهوری مناسب آزمایش و خطا نیست. سرنوشت یک ملت در میان است. کاش برخی کاندیداها حداقل پیمانکاری ساخت یک ساختمان سه طبقه را در رزومه شان داشتند.» یکی از دیگر نیز در پاسخ نوشت: «آخرین کسی که توجیه انقلاب خواست به جای پیمانکاری نظام، همه کاره نظام باشد، نتیجه اش شد به ماه خون‌مشنین و...»

بدین ترتیب تقابل در کاندیدای اصولگرا که پایگاه رای مشترکی هم ندارند اما هر دو از یک جناح هستند، آشکار شد.

از دیگر سو خبرهای رسیده به خبرنگار سازندگی حاکی است که قالیبافی ها و تیم او به شدت فعال شده اند که سعید جلیلی همچون انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ که به نفع سیدابراهیم رئیسی کناره گیری کرد و این بار نیز به سود قالیباف کناره گیری کند تا راه برای قالیباف هموارتر باشد. از آن سو جلیلی ها در پاسخ به قالیبافی ها گفته اند که این بار قالیباف کناره گیری کند. مانند سال ۹۶ که کنار رفت، این بار نیز کنار برود. زیرا او در حال حاضر رئیس مجلس است و ریاست یک قوه را در اختیار دارد. پس بهتر است انتخابات ریاست جمهوری را به جلیلی بسپارد تا او در کارزار این انتخابات به مصاف دیگر رقبا برود.

گزارش سازندگی حاکی از این است که هنوز هیچ یک از این دو نپذیرفته اند که کنار بروند. ضمن آنکه خبر دیگر سازندگی حاکی از این است که رؤسای ستاد نیز جلسات مشترکی را برگزار و تلاش می کنند همدیگر را قانع کنند. آنها مطمئن هستند که زاکانی و قاضی زاده هاشمی در نهایت کناره گیری می کنند به همین دلیل چندان نگران زاکانی نیستند.

اکنون کنایه تند جلیلی به قالیباف نشان می دهد که فشارها برای کناره گیری جلیلی به سود قالیباف شدت یافته و متحمل است که نتایج برخی از نظرسنجی ها را مقابل او بگذارند و از وی بخواهند که کنار برود.

#### توضیح سخنگوی ستاد پورمحمدی

عبدالمهدی مستکین، سخنگوی ستاد مصطفی پورمحمدی: وی درخصوص مشاوره حسام الدین آشنا به این نامزد انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرد: قرار دولت ایشان تعامل و گفت و گو با همه نخبگان و دلسوزان نظام و انقلاب است. از این حیث، شیوه و شخصیت آقای پورمحمدی و دولت ایشان بهره گیری از همه ظرفیت ها و گفت و گو و مشورت با مجریان کارآمد و چهره های شاخص، علمی، فرهنگی و اقتصادی است.

#### زاکانی استغفار کند

عوض حیدرپور، نماینده ادوار مجلس: ادعای زاکانی درخصوص تخلفات در آزمون دستیاری در دوره وزارت بهداشت پزشکیان را رد می کنم. به نظر می آید که این حرکت تخریبی و غیرخدایی علیه آقای پزشکیان است و ایشان باید استغفار کند و دیگر این گونه حرکات را تا آخر انتخابات و حتی تا آخر عمرش انشالله تکرار نکند. ما تقریباً ۳-۴ ماه کار کردیم و آقای زاکانی هم در تیم هیات تحقیق و تفحص بود؛ اما به هیچ نتیجه ای نرسیدیم.

قالیباف که چشمش را بر برخی از ضعف های دولت سیزدهم بسته بود، اکنون امیدوار است که طرفداران باقی مانده دولت، همراهش باشند اما نباید فراموش کند که او مانند سعید جلیلی نیست که جبهه پایداری را هم داشته باشد. بنابراین مشخص است که دو کاندیدای جریان اصولگرا، یعنی جلیلی و قالیباف، به راحتی نمی توانند با همدیگر کنار بیایند.

از آن سو محمدباقر قالیباف هم در برنامه «گفت و گوی ویژه خبری» نحوه مدیریت و مداخلات دولت را در بهره وری مهم دانست و گفت: «مثلاً در بازار خودرو، سهم دولت در ایران خودرو حدود ۷ درصد است اما با این میزان سهم، دولت صد درصد در سیاست گذاری و تصمیم گیری و قیمت گذاری است، نتیجه آن را می توان در دیون باقی مانده دید بعد دولت مجبور به دخالت در قیمت گذاری و دادن رانت و جبران هزینه ها می شود. دولت با ۷ درصد سهم هیات مدیره و مدیرعامل عوض می کند. برای این کار از پول بخش دولت و منافع عمومی در خودرو می گذارد، خودرو تولید می کند و بعد دولت و بخش خصوصی و تولیدکننده و مردم ناراضی هستند.»



در عین حال این سوال پیش می آید که وضعیت جلیلی و قالیباف چه خواهد شد؟ و سبب رای زاکانی با کدام نفرات اشتراک بیشتری دارد؟ پزشکیان قادر خواهد بود که رای اصلاح طلبان را داشته باشد؛ البته درخصوص علیرضا زاکانی دو نکته مهم وجود دارد؛ او در انتخابات قبل در موقعیت سلبی و نقد وضع موجود زمینه هایی از خود نشان داد. حال در شرایط ایجابی موقعیتی متفاوت خواهد داشت. از سوی دیگر با توجه به نوع سیاست ورزی زاکانی که با پورمحمدی و پزشکیان قطب بزرگی را ایجاد خواهد کرد، دارای بدنه رای مشترک با جلیلی خواهد شد. ماندن یا نماندن زاکانی تا پایان انتخابات می تواند روی گزینه ای که به دور دوم احتمالی می رود، تأثیر بگذارد.

بدون شک و با پیشینه ای که پایداری ها و طرفداران دولت از خود نشان داده اند، این قبیل اختلافات بین جلیلی و قالیباف بالاتر هم خواهد رفت. قالیباف کسی بود که نظریه نواصلگرایی را در عرصه سیاست ایران مطرح کرده است. البته نکته جالب این است که محمدباقر قالیباف در چهارمین حضورش در انتخابات ریاست جمهوری، مسئولیت و ریاست ستاد انتخاباتی اش را به کسی سپرده که سابقه وزارت احمدی نژاد، نزدیکی به پایداری ها و چرخش های سیاسی در ادوار انتخاباتی اخیر را داشته است. آن هم علی نیکزاد، فردی که در تمام جریانات اصولگرایی در حرکت بوده و گویا این بار تصمیم به سمت قالیباف است.

قالیباف تاکنون سه بار در انتخابات ریاست جمهوری ایران شرکت کرده است: در سال ۱۳۸۴ و در رقابت با محمود احمدی نژاد و علی اکبر هاشمی رفسنجانی نتوانست به دور دوم راه پیدا کند، در سال ۱۳۹۲ در مقابل حسن روحانی شکست خورد و به جایگاه دوم بسنده کرد و برای بار سوم در سال ۱۳۹۶ در هفته منتهی به رای گیری نهایی به نفع ابراهیم رئیسی انصراف داد. او از سال ۱۳۹۹ ریاست مجلس را بر عهده دارد. محمدباقر قالیباف از شخصیت های نزدیک به بیت رهبر جمهوری اسلامی شناخته می شود و در میان اصولگرایان محبوبیتی کسب کرده است. با این حال شماری از منتقدان می گویند با طرح شدن نام او در پرونده های بزرگ فساد اقتصادی به ویژه «سیسمونی گیت» (در پی سفر خانواده وی به ترکیه و انتشار تصاویری از آنها با چمدان های بزرگ در فرودگاه بین المللی امام خمینی) تصویر او در بیسن نیروهای وفادار به جمهوری اسلامی آسیب دیده است.

این در مقابل چهره ای است که سعید جلیلی، نامزد دیگر اصولگرایان تلاش کرده تا در سال های اخیر از خود ارائه دهد و به

تحلیل عصر ایران، خود را شخصیتی «ساده زیست» معرفی کند که با خودرویی معمولی و ارزان قیمت رفت و آمد می کند هر چند او کار سیاسی را از وزارت خارجه شروع کرد. وی در سال ۱۳۹۲ نامزد انتخابات ریاست جمهوری شد اما در مقابل حسن روحانی شکست خورد. در انتخابات ۱۳۹۶ بدون اعلام نامزدی، حمایتش را از ابراهیم رئیسی اعلام کرد و در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ پس از اعلام نامزدی به نفع وی کنار رفت. بنا بر نقل قولی از احمد علم الهدی، امام جمعه مشهد پس از شکست

سعید جلیلی در انتخابات ریاست جمهوری با اشاره به آرای او گفته بود: «این چهار میلیون نشانگر وجود یک جوهره در این جامعه است. سعید جلیلی اکنون با ثبت نام در دوره چهاردهم انتخابات ریاست جمهوری، رقیبی جدی برای محمدباقر قالیباف به شمار می رود.

آنطور که حسین کنعانی مقدم، دبیرکل حزب سبز ایران و فعال سیاسی اصولگرا به خبرآنلاین می گوید: «دو کاندیدای جریان مقابل، یعنی آقای جلیلی و آقای قالیباف، به راحتی نمی توانند با همدیگر کنار بیایند. بعضی از این کاندیداها که بازار گرم کن هستند؛ نماینده اند که رئیس جمهور شوند و آمده اند که بالاخره در صحنه حضور داشته باشند.»

ناصر ایمانی هم معتقد است که به نظر می رسد این اجماع بین اصولگرایان هم صورت نمی گیرد مگر اینکه شرایط در روزهای پایانی انتخابات به اندازه ای حساس شود که مجبور شوند به نوعی به وحدت برسند و یک کاندیدا را از میان این چند نفر معرفی و از بقیه هم بخواهند تمکین کنند که در این صورت باز هم مشخص نیست که آیا بقیه کاندیداها به نفع آن کسی که اصولگرایان معرفی کنند، انصراف خواهند داد یا این کار هم انجام نخواهد داد. وی افزود: «نه آقای جلیلی و نه آقای قالیباف بلکه به نفع هیچ کس کنار نخواهند رفت. ممکن است آقای پورمحمدی و قاضی زاده هاشمی به رای دیگر اصولگرایان تمکین کنند اگر اصولگرایان به این وحدت



## دیدگاه: گزارش خارجی

### حاضران و غایبان در سوئیس

کدام مقامات در نشست صلح اوکراین حضور دارند؟

نشست صلح اوکراین به میزبانی سوئیس با حضور ۹۰ کشور جهان در روزهای ۱۵ و ۱۶ ژوئن مصادف با ۲۶ و ۲۷ خرداد در تفریح‌گاه بورگشتوک در مرکز سوئیس برگزار می‌شود اما سوال اصلی این است که کدام یک از رهبران کشورهای جهان در این نشست دو روزه شرکت خواهند کرد و چه افرادی شرکت نخواهند کرد؟

هفته گذشته کاخ الیزه تأیید کرد که امانوئل ماکرون، رئیس جمهوری فرانسه در نشست صلح پاریس حاضر خواهد شد. پیش‌تر ماکرون در نشست مطبوعاتی با همتای اوکراینی خود، ولودیمیر زلنسکی گفته بود که در نشست صلح به میزبانی سوئیس شرکت خواهد کرد. او نشست صلح اوکراین به میزبانی سوئیس را گامی مهم در فرآیندی به سوی صلح پایدار توصیف کرده بود.

همچنین یک ماه پیش اولاف شولتزر، صدراعظم آلمان حضور خود را در نشست صلح اوکراین به میزبانی سوئیس تأیید کرده بود. شولتس در گفت‌وگوی تلفنی خود با زلنسکی بسا تأکید بر ضرورت حمایت بیشتر از اوکراین درباره تماس نزدیک به توافق رسیده بودند. صدراعظم آلمان در آستانه نشست صلح اوکراین گفت که برای دستیابی به صلح «عادلان» تلاش خواهد کرد. او گفت: ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه باید متوجه شود که نمی‌تواند در جنگ اوکراین پیروز شود. در این میان ژاپن اعلام کرده که فوميو کیشیدا، نخست‌وزیر ژاپن پس از نشست سران گروه ۷ که از ۱۳ تا ۱۵ ژوئن در ایتالیا برگزار می‌شود به سوئیس می‌رود تا در نشست صلح اوکراین شرکت کند. به گفته یوشیماسا هایاشی، دبیر ارشد کابینه ژاپن، کیشیدا در حاشیه نشست گروه ۷ با زلنسکی درباره کمک‌های جدید به اوکراین از جمله چگونگی استفاده از دارایی‌های مسدود شده روسیه برای کمک به کریف و تقویت تحریم‌های مسکو گفت‌وگو خواهد کرد. براساس برنامه اعلام شده، ولودیمیر زلنسکی نیز در نشست گروه ۷ حضور خواهد داشت. این مقام ژاپنی تأکید کرد که گفت‌وگوهای سران ژاپن و اوکراین در سوئیس ادامه خواهد یافت. از سوی دیگر در ماه مه جاستین ترودو، نخست‌وزیر کانادا حضور خود را در نشست صلح اوکراین به میزبانی سوئیس اعلام کرد. ترودو در شبکه ایکس نوشت: منتظر نشست صلح اوکراین است تا به دیگر رهبران کشورهای جهان برای پیشبرد هدف مشترکشان در دستیابی به صلح عادلانه و پایدار برای اوکراین بپیوندد.

همچنین حضور اوزولا فن درلاین، رئیس کمیسیون اروپا در نشست صلح اوکراین به میزبانی سوئیس توسط اریک مامر، سخنگوی کمیسیون اروپا تأیید شده است. در ماه مه نیز شارل میشل، رئیس شورای اروپا در تماس با زلنسکی از حضور خود در نشست صلح اوکراین خبر داده بود. او از همه رهبران کشورهای جهان خواسته بود تا از نشست صلح اوکراین به میزبانی سوئیس حمایت کنند. همچنین اولف کریسترسون، (نخست‌وزیر سوئد)، مارک روت (نخست‌وزیر هلند)، ادگارس رینکویسج (رئیس جمهور لتونی) و پدرو سانچز، (نخست‌وزیر اسپانیا) از دیگر رهبران کشورهای اروپایی هستند که در نشست صلح اوکراین شرکت می‌کنند.

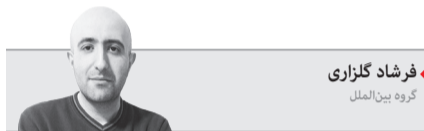
آنچه در این میان باعث تعجب بوده، غیبت رئیس جمهوری آمریکا و چین در این نشست است. اگرچه جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا در اجلاس گروه ۷ شرکت خواهد کرد اما به سوئیس سفر نمی‌کند و در نشست صلح اوکراین حاضر نخواهد شد. کاخ سفید اعلام کرده که کامالا هریس، معاون رئیس جمهور آمریکا در رأس هیات این کشور در نشست صلح اوکراین شرکت خواهد کرد. همچنین جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی آمریکا در این اجلاس شرکت خواهد کرد. همچنین جورجیا ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا هم در این نشست نخواهد بود. حضور شی جین پینگ، رئیس جمهور چین در نشست صلح اوکراین از ابتدا بعید به نظر می‌رسید زیرا او هم به ندرت در چنین نشست‌هایی شرکت می‌کند و هم اعلام بی‌طرفی‌اش در جنگ اوکراین، حکایت از حمایت پکن از مسکو دارد.

منبع: یورونیوز



# درگیری در جبهه شمال

## پس از شلیک ۱۰۰ موشک توسط حزب الله ارتش اسرائیل جنوب لبنان را مورد هدف قرار داد



فرهاد گلزاری  
گروه بین‌الملل

عهده گرفت. براساس گزارش منابع اسرائیلی ۲۵ تیم آتش‌نشانی و ۸ هوایما به اطفا حریق ناشی از شلیک‌های موشک از لبنان مشغول بودند و گفته شد، آتش‌سوزی گسترده در جنگل بربیا در نزدیکی صدف رخ داد و ۱۲ تیم آتش‌نشانی در کنار هوایماها درحال خاموش کردن آتش بودند. اسکای نیوز نیز نوشت به دلیل حملات موشکی مقاومت لبنان، برق سراسر الجلیل قطع شده است و شهرداری حیفا تصمیم گرفته، پناهگاه‌ها را باز کند. خبرنگار المیادین نیز که در جنوب لبنان حضور داشته، اعلام کرده تعداد موشک‌هایی که از سمت لبنان شلیک شدند بسیار زیاد بودند و تعدادشان بیش از ۱۰۰ موشک بوده است. رادیو ارتش اسرائیل نیز اعلام کرده که حزب‌الله لبنان برای اولین بار از سال ۲۰۰۶ به طبریا موشک شلیک کرده است. براساس گزارش رسانه‌های اسرائیل، صدای انفجارهای پیاپی به دلیل رهگیری‌های موشکی از مناطق مختلف در الجلیل علیا و الجلیل پایین به گوش رسیده است. خبرنگار الجزیره نیز با اشاره به شلیک ۵۰ موشک به الجلیل گفت که موشک‌ها به سمت مقر نظامی اسرائیل در مزارع اشغالی شبع در لبنان شلیک شدند. در این اثنا شبکه المنار هم بامداد چهارشنبه، گزارش داد که ارتش اسرائیل برخی از مناطق جنوب لبنان را بمباران کرده است. براساس این گزارش توپخانه ارتش اسرائیل حومه دهستان‌های «بارین»، «الجبین» و «جویا» در جنوب لبنان را گلوله باران کرده و حتی برخی اخبار حکایت از حمله چنگنده‌های اسرائیل به جنوب لبنان دارد؛ به‌گونه‌ای که ارتش اسرائیل مدعی شد که یک ساختمان نظامی و سکوی پرتاب موشک متعلق به حزب‌الله را در «عبترون» و «میس‌الجبل» هدف قرار داده است. یک مقام امنیتی لبنانی نیز به شبکه الجزیره گفت که دهستان جویا، مرکز حمله اسرائیل بوده و برخی منابع غیررسمی می‌گویند که در این حمله چهار تن کشته و شمار دیگری زخمی شده باشند. در این راستا بامداد چهارشنبه حزب‌الله کشته شدن فرمانده خود را تأیید کرد و در بیانیه‌ای گفت که او «طالب سامی عبدالله» ملقب به ابوطالب بوده و فرمانده یگان نصر حزب‌الله در منطقه مرکزی نوار مرزی لبنان با اسرائیل بوده که در حملات اخیر اسرائیل هدف قرار گرفته است.

آنچه در این میان باید مورد نظر قرار بگیرد این است که این‌گونه تبادل آتش، آن هم در مرزهای شمالی اراضی اشغالی و جنوب لبنان به وضوح نشان می‌دهد که یک جبهه دیگری در این منطقه درحال گشایش است. از ابتدای هفتم اکتبر بسیاری از تحلیلگران نظامی و امنیتی اعلام کرده بودند که اسرائیل توان درگیری در چند جبهه گوناگون را ندارد و به همین دلیل باید از درگیری و ورود به جنگ با حزب‌الله لبنان پرهیز کند. این هشدارها گویا در شرایط کنونی چندان برای تانیاها مهم نیست؛ چراکه بسیاری از ناظران بین‌المللی نه تنها در مورد شروع درگیری در جبهه شمالی توسط ارتش اسرائیل هشدار داده‌اند بلکه همین موضوع موجب می‌شود تا توان عملیاتی ارتش اسرائیل کاهش پیدا کند. باید دانست که همین حالا مشاوران پنتاگون که در اتاق جنگ اسرائیل حضور دارند و از ابتدای جنگ هفتم اکتبر به آنها مشاوره نظامی ارائه می‌کردند به تانیاها و تیم وی این هشدار را داده‌اند که درگیری گسترده در مناطق شمالی، هیچ خروجی ندارد جز هزینه‌های نظامی و امنیتی چند برابر که البته بخشی از آن هم متوجه شهرک‌هایی می‌شود که در نوار شمالی قرار گرفته اما به دلیل تک و پاتک‌های متعدد حزب‌الله خالی از سکنه شده است. به هر ترتیب موج موشکی حزب‌الله علیه اسرائیل در مناطق شمالی و پاسخ ارتش اسرائیل به جنوب لبنان را می‌توان شروع یک درگیری پله‌کافی دانست. این همان سناریویی است که تانیاها برای فرار از آتش‌بس در جنوب (غزه و رفح) بدان نیاز دارد!

آنچه در صحنه میدانی و سیاسی پرونده غزه باید مورد نظر قرار بگیرد، چرخش میدان درگیری از جنوب به جبهه‌های شمال است. واقعیت این است که با گذشت ۸ ماه از جنگ میان حماس و ارتش اسرائیل هنوز هم کابینه جنگ به رهبری بنیامین تانیاها با چندین و چند مشکل اساسی روبرو است و همین مصائب باعث شده تا دامنه درگیری‌ها گسترده‌تر شود. مشکل ابتدایی تانیاها این است که او وعده داده بود تا به سرعت غزه و رفح را پاک‌سازی کند سپس اسرای اسرائیلی را به خانه بازگرداند اما حالا تنها ۴ نفر از اسرای اسرائیلی با اجرای یک عملیات مرکب و با کمک آمریکایی‌ها به خانه بازگشتند که البته برای این اقدام چیزی حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ غیرنظامی کشته شدند که صدای جامعه ملل را هم درآورد. نکته اینجاست که بخشی از اسرای اسرائیلی که در اختیار حماس قرار دارند، در حملات گاه‌بیکه ارتش اسرائیل کشته شدند و همین موضوع حالا باعث شده تا خانواده این اسرا در تل‌آویو و برخی از نقاط دیگر اقدام به برگزاری تجمعات اعتراضی علیه تانیاها و سایر اعضای کابینه جنگ کنند؛ چراکه به زعم آنها تانیاها و تیم وی به هیچ وجه قائل به پایان دادن جنگ نیستند و هر چه اوضاع وخیم‌تر می‌شود، آنها هم عکس‌العمل رادیکال‌تر از خود نشان می‌دهند.

این جماعت حتی به این نتیجه رسیده‌اند که کابینه جنگ به هیچ وجه نمی‌خواهد طرح جو بایدن، رئیس جمهوری آمریکا در مورد آتش‌بس در غزه را عملیاتی کند. اما مشکل دوم در این راستا متزلزل شدن کابینه فعلی است. تانیاها همین حالا با موجی از اختلافات پیدا و پنهان در داخل کابینه روبرو است که این موضوع خود دو محور دارد. محور نخست، اپوزیسیون اسرائیل به رهبری یائیر لاپید است. او توانسته همانند یک اکتبرای قدرتمند، طیف ناراضی از مقامات اسرائیل را مانند آویگدور لیبرمن، بنسی گانتس، گادی آیزنکوت و ... در حول یک محور علیه تانیاها و افراطیون کابینه جنگ جمع کند تا بتواند بر موج مخالفان و افکار عمومی سوار شود و کابینه را به چالش بکشد. البته این طیف از سیاسیون حاضر در تل‌آویو صرفاً به دنبال کنار زدن تانیاها از ساحت قدرت هستند اما در کل همان مواضع تقابلی با پیرامون خود به‌خصوص فلسطینی‌ها را در ذهن می‌پروراند. طیف دوم هم کسانی هستند که با تانیاها در کابینه جنگ و در تشکیل آن به صورت ائتلافی شرکت داشته و دارند اما حالا به حدی بر او فشار وارد کرده‌اند و منافع خود را خواهان هستند که عملاً با او وارد یک تقابل مشخص شده‌اند. به عنوان مثال، قانون اعزام خریدی‌ها از مدارس دینی به میداین جنگ یکی از همین موضوعاتی است که حالا باعث شده تا راست‌گراهای افراطی در تل‌آویو علیه وی دست به اقدامات مشخص بزنند و حتی تا جایی این روند دامنه پیدا کرده که وی را تهدید به خروج از کابینه کرده‌اند. در چنین شرایطی، تانیاها حالا راهی ندارد جز اینکه بتواند بر آتش جنگ بدمد و اوضاع را به سمت‌وسوی هدایت کند که همه در نهایت درگیر سناریو وی شوند و حالا این سناریو به نظر می‌رسد که درگیری با حزب‌الله لبنان به صورت پله‌کافی است.

### تبادل آتش در مرزهای لبنان

رسانه‌های غربی و اسرائیل، چهارشنبه از به صدا درآمدن آژیرهای هشدار در صدف، طبریا و شهرک‌های دیگر در الجلیل علیا در شمال اراضی اشغالی خبر دادند و در این راستا، حزب‌الله لبنان نیز در بیانیه‌هایی، مسئولیت حملات به مقرهای صهیونیست‌ها را بر

برسند که یک نفر را معرفی کنند. در مورد آقای جلیلی احتمال کناره‌گیری ضعیف است».

به هر حال سرشناس‌ترین تشکل از میان ارانه‌کنندگان فهرست‌های انتخاباتی، شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی است که پس از کش‌وفوس‌های فراوان با جبهه تندرو پایداری به توافق و وحدتی شکننده رسیدند و به فهرست قالیباف-پایداری معروف شد. پایداری‌چی‌ها برای شکستن قالیباف در مجلس و پایین کشیدن او از صندلی ریاست نه تنها روش مختلفی برای حذف یاران قالیباف پیش گرفتند بلکه قالیباف را به تهایی در صدر فهرست نمی‌خواستند و اصرار داشتند که مرتضی آقانه‌رانی از چهره‌های اصلی پایداری‌چی‌ها نیز باید در کنار قالیباف به عنوان سرلیست مطرح شود؛ نهایتاً هم که گویا دست شورای ائتلاف زیر سنگ پایداری بود که مجبور به پذیرش این شرط شد. از سوی دیگر پایداری‌چی‌ها که از ابتدای مجلس یازدهم در حال زدوخورد رسانه‌ای و جنگ قدرت با طیف قالیباف هستند و انواع افشاکاری‌ها را درباره او انجام می‌دهند و منتقد سیاست‌هایش هستند برای ورود به مجلس و تطمیع حس قدرت‌طلبی‌شان حاضر شدند با رأس دشمنانشان یعنی قالیباف دست اتحاد بدهند؛ به عبارت دیگر پایداری‌چی‌ها نیز مانند طیف قالیباف نشان دادند که هیچ اصول مشخصی و چارچوب سیاسی تعیین شده‌ای ندارند و برای رسیدن به قدرت با هر کسی دست می‌دهند. در این فهرست که سهامی خاص بود، قالیباف، حدادعادل، محسن رضایی و جبهه پایداری هر کدام قدرالسهم مشخصی داشتند.

اختلافات قالیباف و جلیلی البته ریشه‌داتر از این حرف‌هاست. به طوری که چندان در مکانی مشترک دیده نمی‌شدند تا اینکه مرداد ماه سال ۹۲ اولین بار وحید یامین‌پور از حامیان سعید جلیلی بود که با یک توییت سوالی، خبر دیدار احمدی‌نژاد و قالیباف را منتشر کرد. این توییت اگرچه در جبهه اصلاح‌طلبان بازخوردهای زیادی داشت اما به نظر می‌رسید، جامعه هدف آن نه اصلاح‌طلبان که اتفاقاً اصولگرایان بودند. دیدار احمدی‌نژاد و قالیباف از آنجایی جنجالی است که این دو نفر در دوران ریاست جمهوری و شهرداری اختلافات زیادی با هم داشتند. این البته موضوع پنهانی نبود تا جایی که قالیباف در مناظره‌های انتخابات سال ۹۶ هم به آنها اشاره کرد. حالا ناگهان خبر رسید این دو نفر با هم دیدار کرده‌اند. طبعاً پس از انتشار این خبر واکنش‌های متفاوتی از جبهه اصولگرایان هم دیده شد اما این خبر کوتاه می‌تواند، نشانگر اختلافی باشد که در جبهه اصولگرایان و بین حامیان دو چهره مطرح این جبهه وجود دارد. کافی است بدانید وقتی سعید جلیلی متوجه شد در جمنا صاحب اکثریت نیست از کاندیداتوری انصراف داد، این انصراف البته با دلخوری همراه بود تا جایی که همان زمان تحلیلگران گفتند که سعید جلیلی به دنبال طیف جدیدی در جبهه‌بندی سیاسی است. قالیباف هم پس از اینکه مجبور شد با نظر جمنا از انتخابات ریاست جمهوری انصراف دهد، علناً ناراحتی خود را ابراز کرد. او این روزها به دنبال تشکیل نواصولگرایی است تا از قیدوبند اصولگرایان سنتی خلاص شود.

جبهه پایداری باید تصمیم نهایی‌اش را بگیرد. این جریان حتی نتوانست، گزینه مورد نظرش را با قطعیت معرفی کند. در این میان جبهه پایداری از مجموعه‌هایی است که پیش از انتخابات نیز به دنبال معرفی گزینه مدنظر خود برای در اختیار گرفتن پست ریاست جمهوری بود. این درحالی است که در نخستین نگاه و بدون تحلیل همگان، نامزد این مجموعه را به جهت همگرایی دیدگاهی سعید جلیلی قلمداد می‌کردند اما طی چند وقت اخیر که اختلافاتی میان جلیلی و جبهه پایداری رخ داد آنها از جلیلی فاصله گرفتند و به دنبال گزینه دیگری بودند تا در انتخابات از وی حمایت کنند و ابتدا صحبت از کاندیداتوری صادق محصولی، پرویز فتاح، دیگر گزینه‌ای بود که بسیاری وی را ثبت‌نام نکرد. جبهه پایداری‌ها معرفی می‌کردند که تمام‌قد از او دفاع خواهند کرد. اما در روزهای ثبت‌نام پرویز فتاح نیز با انتشار بیانیه‌ای از حضور در انتخابات خودداری کرد تا در نهایت برخی نام مهرداد بذرشاپا را برای کاندیداتوری پایداری به میان آوردند. آرمان ملی می‌گوید اما اعلام تأیید صلاحیت‌شدگان نشان داد که بذرشاپا هم راهی به پاسستور نخواهد داشت. حال باید دید، پایداری اختلافات را کنار گذاشته و به سعید جلیلی بازخواهد گشت و از او حمایت خواهد کرد یا روند ائتلاف با قالیباف را در انتخابات مجلس تکرار کرده و پشت قالیباف خواهد ایستاد. مجموعاً تمامی سه نامزد دیگر اعلام شده از سوی شورای نگهبان افراد شناخته شده اصولگرایان هستند. اما به هر حال تجربه ثابت کرده که اصولگرایان از هر طیفی که باشند، نمی‌توانند ائتلاف کنند. موضوعی که بر سر انتخابات ریاست جمهوری برای چندمین بار ثابت شد. هنوز گفتمان بر سر این است که جلیلی به نفع قالیباف کنار برود یا قالیباف به نفع آن یکی و این درحالی است که اینها اصلاً در یک اقلیم نمی‌گنجد که بخواهند به نفع کنار بکشند. اما گویا هنوز برخی امیدوار به اجماع هستند.

## دریچه: تحلیل عادات

### در آرزوی لاغری

رابطه رژیم‌های لاغری و کاهش میزان تفکر



حسن محرابی  
پژوهشگر

تبلیغ و ترویج روش‌های لاغری سابقه طولانی دارد. این روش پول درآوردن بر اساس تبلیغ چنان موثر بوده که از ۲۰۰ سال پیش تاکنون همواره تداوم داشته است. علاقه به لاغر شدن یک پدیده فراگیر جهانی است. هر سال ۴۵ میلیون آمریکایی رژیم می‌گیرند، درحالی که اهداف نهایی آن‌ها (که لاغر شدن است) ممکن است مشابه باشد اما مسیرهایی که برای رسیدن به آن طی می‌کنند، بسته به آخرین و جدیدترین ترندهای تبلیغاتی می‌تواند بسیار متفاوت به نظر برسد در ایران نیز تقریباً یک ششم از جمعیت هدف تبلیغات لاغری قرار دارند. آن‌ها مبلغ بسیار زیادی برای بهره‌گیری از روش‌های لاغری می‌پردازند. اگر این روش‌ها موثر بود باید لااقل در میزان مراجعین به موسسات لاغری درصدی کاسته می‌شد. در حالی که ماجرا برعکس است و هنوز میزان مراجعه به این موسسات و کلینیک‌ها رو به افزایش است. بهره‌گیری از رژیم غذایی برای لاغری در دهه ۱۸۳۰ شروع شد. در طول دهه‌ها و قرن‌های بعد انواع رژیم‌های غذایی و تناسب اندام و قرص‌ها، معجون‌ها و خمیرها به عنوان «گلوله‌ای جادویی» برای زیبایی و تناسب اندام مورد توجه قرار گرفته‌اند. پیروان رژیم‌های غذایی به صورت مداوم درگیر برنامه‌های مختلف لاغری هستند. برنامه‌هایی مخصوص پول‌دارها مانند دویدن بسر روی تردمیل، حمام سونا و بخار گرفتن و در نهایت جراحی‌های موضعی است. آن‌هایی هم که می‌خواهند پول کمتری خرج کنند، برخی وعده‌های غذایی یا انواع خاصی از خوردنی‌های را از برنامه غذایی‌شان حذف می‌کنند.

بر اساس یک مطالعه جدید علمی، مشخص شده که یک دستورالعمل جدید دولتی می‌تواند در برخی از زمینه‌ها در یک کشور تغییر ایجاد کند اما یک توصیه جدید در مورد تغذیه و رژیم لاغری اگر رنگ و بهانه پزشکی هم داشته باشد، می‌تواند یک شبه جماعت فراوانی را متوجه خود کند. در سال ۱۸۶۳ ویلیام بانتینگ، یک ورزشکار انگلیسی برای کاهش وزن رژیم کم کربوهیدرات را توصیه کرد. او کتاب‌چه‌ای با عنوان «نامه در مورد کربوهیدرات» در مورد کربوهیدرات نوشت. این کتاب هم در بریتانیا و هم در آمریکا آن قدر محبوب شد که توصیه‌هایش به یک فرهنگ تبدیل شد؛ مثلاً در پاسخ به این سوال که «آیا یک تکه کیک می‌خوای؟» مردم جواب می‌دادند «نه، متشکرم، من پیرو بانتینگ هستم.» در کشور ما نیز این روند طی شده است. امروزه صدها باشگاه ورزشی یا به صورت تخصصی‌تر «سالن کاهش‌دهنده وزن» یا «سالن لاغری» تأسیس شده است. افراد و اشخاص فراوانی در این مراکز حضور می‌یابند اما در طول دورانی که این رژیم‌های غذایی و ابزارها و پودرهای لاغری رواج یافته، نتیجه مشخصی عاید نشده است. به همین جهت به رژیم‌های لاغری عنوان «بهداشت افسانه‌ای» را داده‌اند.

در یک دوران، رژیم غذایی تمام انگور یا ماست بلغاری توصیه می‌شد، در دهه‌های بعدی رژیم غذایی گریپ فروت افزایش یافته و وعده کاهش وزن در صورت مصرف یک گریپ فروت در هر وعده غذایی را می‌داد. روش بعدی رژیم غذایی سوپ کلم بود که اجازه می‌داد تا آن‌جایی که می‌توانید سوپ کلم مصرف کنید. یک رژیم غذایی دیگر بر اساس سویا، برنج قهوه ای و سبزیجات تشکیل می‌شد. آن قدر از این برنامه‌ها برای مردم ارائه شد که دست آخر مدعیان جدید برای اقناع بیشتر مردم ادعای «انقلاب رژیم غذایی» را مطرح می‌کردند. بسیاری از مردم درباره رژیم غذایی مدیترانه‌ای به عنوان یک راه‌حل جدید صحبت می‌کنند که براساس چربی‌های سالم مانند روغن زیتون، غلات کامل، گوشت بدون چربی، ماهی و مقدار زیادی سبزیجات است. البته این یک روش غذایی باستانی است که متخصصان تغذیه تا به امروز آن را توصیه می‌کنند. توصیه‌ای که حداقل با میزان حقوق و درآمد افراد تناسب ندارد.

در مجموع و به تدریج با گسترده شدن توجه مردم به رژیم غذایی، لاغری و در نهایت توجه به شکم‌شان؛ موجب شده که از میزان توجه به تفکر و تعقل کاسته شود! یک متخصص بررسی ادعاهای مربوط به رژیم‌های غذایی می‌نویسد: «رژیم‌های غذایی بحث‌های بزرگ‌تر درباره تاریخ، نجات زمین، طبیعت، پول، قدرت... و همه ایده‌هایی که ارزش فکر کردن دارند را از اذهان پاک کرده است.»



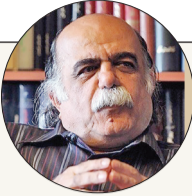
### مولانا تا سایه

آلبوم «مولانا تا سایه» به آهنگ‌سازی پیروز ارجمند و خوانندگی کیوان رستگاری، جمعه ۲۵ خرداد در موزه موسیقی ایران رونمایی می‌شود. «من نه چنانم که تویی» از مولانا، «مضطرب مهتاب رو» مولانا، «معشوقه به سامان شد» مولانا، «صورتگر نقاش» مولانا، «ای عاشقان» مولانا «عید نو» از مولانا، «ای عشق» و «مژده بده» با شعر هوشنگ ابتهاج از جمله قطعاتی هستند که در این آلبوم گنجانده شده‌اند.



### دایره‌المعارف فلسفی استنفورد

مصطفی ملکیان: دایره‌المعارف فلسفی استنفورد که توسط انتشارات دانشگاه استنفورد در آمریکا منتشر می‌شود، ۷ ویژگی دارد که من مجموع این ۷ ویژگی را در هیچ دایره‌المعارف فلسفی دیگری به زبان‌های انگلیسی و آلمانی ندیده‌ام و از این حیث در این دو زبان، بهترین دایره‌المعارف فلسفی است. فضیلتی بودن، روزآمد بودن، تکثر و تنوع نظرات از مهم‌ترین ویژگی‌های آن هست.



### گنجینه زبان‌های بومی

میرجلال‌الدین کرازی: نزد سرزمین‌هایی که تیره‌های ایرانی در آن می‌زیند کردان، لران، بلوچان، تات‌ها، گیلکان، مازنیان و... و تیره‌های دیگر فراوانند. دل ایران در میان این تیره‌هاست که می‌تبد. زبان‌های بومی، گنجینه‌های گران‌سنگ از فرهنگ ایرانی هستند. به عنوان مثال کردی یک زبان است و گویش نیست چون خود دارای شاخه‌ها و گویش‌های گوناگون است. کتاب «ایزدبانو شاماران» بخشی از فرهنگ کردی را به نمود درآورده است.

# مورخ شالوده‌شکن

## بررسی کارنامه تاریخ‌نگاری دکتر غلامحسین زرگری نژاد



نشست «بررسی کارنامه تاریخ‌نگاری دکتر غلامحسین زرگری نژاد» دوشنبه ۲۱ خرداد به همت گروه تاریخ و باستان‌شناسی خانه‌اندیشمندان علوم انسانی در سالن حافظ خانه‌اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد. محمدعلی اکبری، قباد منصوربخت، علیرضا ملایی‌توانی و غلامحسین زرگری نژاد سخنرانان این نشست بودند.

### ◀ وظیفه مورخ شالوده‌شکنی اکنون است

محمدعلی اکبری، استاد تاریخ ایران دانشگاه شهید بهشتی در این نشست گفت: «همان‌گونه که از نمایش کتاب‌ها در این مراسم برمی‌آید، غلامحسین زرگری نژاد در حوزه تاریخ معاصر، قاجاریه و اندیشه سیاسی دوره قاجار و مشروطیت کار کرده است. آثار او در دو بخش منتشر شده است. بخشی رسایی است که در این دوره‌های تاریخی وجود داشته است. برخی از این‌ها به عنوان سند به چاپ رسیده و بخشی مورد تحلیل قرار گرفته است. زمانی که جوان‌تر بودیم، گاهی همراه دکتر زرگری نژاد به پیاده‌روی می‌رفتیم، پرسشی در آن زمان مطرح شد که وظیفه مورخ یا دانشجوی تاریخ چیست؟ پاسخ ایشان مناقشه‌ای را آغاز کرد که هنوز ادامه دارد. وظیفه مورخان و وظیفه دانش تاریخی عبارت از شالوده‌شناسی اکنون است. اگر بخواهیم سخن را او فهم کنیم باید این دریچه‌ای که گشوده است در پیشانی بحث قرار بدهیم. منظور از شالوده‌شناسی اکنون چیست؟ این از آن آید که مغل است که اگر به اندازه کافی درباره آن توضیح داده نشود، می‌تواند به فهمیده شود. زرگری نژاد اکنون را تاریخ‌مند می‌بیند به گونه‌ای که کرانه اکنون با امر تاریخی پیوستگی وجودشناخته پیدا می‌کند که اکنون را بدون استمرار تاریخی نمی‌شود، فهم کرد. سوبه دیگر این است که مطالعه تاریخی به هر ترتیبی باید به مدد فهم امروز یاری برساند و اگر به ما در فهم امروز یاری نرساند از مقصود اصلی خویش خارج شده است. دانش تاریخی باید به فهم وضعیت موجود بیاورد. پرسش من این است، چرا اندیشه سیاسی؟ آیا دغدغه غلامحسین زرگری نژاد یک گمشده‌ای در یک گذشته است که می‌خواهد برای جامعه اهل تاریخ آشکار کند یا فراتر و بالاتر از این سطح است؟ فهم من این است که مواجهه زرگری نژاد با اندیشه سیاسی این است که یکی از اصلی‌ترین گره‌های وضع موجود را باید در اندیشه سیاسی پیدا کرد. یعنی اندیشه سیاسی او را مسئله‌مند کرده است. او با اکنون پر از مسئله و چالش است. مسئله دیگر این است که ما در اکنونی قرار گرفته‌ایم که لزوم تأسیس وضع سیاسی جدید امری اجتناب‌ناپذیر است که ما را به سمت اندیشه‌ورزی در حوزه سیاست می‌برد. تاریخ یک صد ساله اخیر به ما می‌گوید، میراث قدمای اندیشه سیاسی در ایران به دلایلی که توضیح می‌دهند دچار سترونی است. ناتوان از زایش جدید است. نکته پارک و مهم این است که غلامحسین زرگری نژاد معتقد است آن‌چه در یک زمان تاریخی ما را به راه می‌برد، سنت اندرزنانه‌ای است و تفکر فلسفی و کلامی چون ارتباطی به وضع تاریخی ایران

ندارد، تأثیری نخواهد داشت اما اندرزنانه این ظرفیت را درون خود داشت. این وضعیت اکنون ماست. یک سترونی در سنت تاریخی و یک قلم‌هزنی ناموفق در گفت‌وگو با اندیشه سیاسی. تا وقتی نتوانیم رویه درست را در دستور کار بگذاریم، تا ثریا می‌رود دیوار کج.»

### ◀ بحران تاریخ‌نگاری

در ادامه این مراسم قباد منصوربخت، عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی گفت: «تاریخ‌نگاری غلامحسین زرگری نژاد دو رویکرد دارد. اول این که وارد آثار او می‌شویم و در متن و آثار او جست‌وجو می‌کنیم تا ببینیم چه ویژگی‌هایی دارد. نقاط قوت و ضعف کجاست؟ نکته دیگر این که نسبت مسئله بنده با آن‌چه در آثار او آمده، چیست؟ کسانی که با آرا و دیدگاه‌های من آشنایی دارند، می‌دانند من مسئله‌محور هستم. مسئله من یک مسئله بنیادی است. مسئله‌ای که ترجیح‌بند من شده «بحران» است. ما دچار بحران تاریخ‌نگاری هستیم. بحران تاریخ‌نگاری یک امر انتزاعی و مجرد نیست. ما به طور کلی در تمام حوزه‌ها دچار بحران هستیم و یکی از نمودها، بحران تاریخ‌نگاری است که از دو منظر می‌توان به آن نگاه کرد. در سنت و تاریخ قدیم مسئله‌ای داشتیم که درست حل نمی‌شد و دوم مسائلی که برای ما به وجود آمده و ریشه در جامعه ما ندارد. در تمام جوامع بشری در برخورد با این مسئله دچار مشکلاتی شدیم که از نظر من بحران‌زا بوده و تقریباً تمام جهان شرق با این بحران روبه‌رو هستند. ظهور تمدن جدید غرب آن اتفاق است و در پژوهش تاریخی هر چه می‌گوییم پاسخ به این پرسش است که با ظهور تمدن جدید غرب برای ایران چه اتفاقی افتاد؟ در ایران شکست خوردگی تمدنی رخ داد. تمام جوامع بشری شکست خوردند و به دنبال آن از جاکندگی تمدنی به وجود آمد. ما از جایگاه تاریخی و از جایگاه تمدنی خودمان کنده شدیم که ما را با مسائل جدیدی روبه‌رو کرده است. ناگهان با این تغییر مواجه شدیم که این مواجهه ارکان جامعه را به هم ریخته است. تصور می‌کنیم اینها از جنس روزمره است. تاریخ ما را به عنوان موجودیت تاریخی دچار بحران کرده است. آثار غلامحسین زرگری نژاد در کجای این تعریف قرار دارد؟ زرگری نژاد مسئله افتادن ما در دام شرایط را توضیح می‌دهد. یک دسته آثار و منابع او کتاب هستند و دسته‌ای دیگر رسائل و آثاری است که در حیطه اندیشه سیاسی و مشروطیت نوشته شده است. دسته دیگر روزنامه‌ها و حوادث تاریخی است. او به ما نشان می‌دهد چگونه در دام‌ها حادته می‌افتیم؟ او تصویری متفاوت از قاجار ارائه می‌دهد. تصویری که از قاجاریه داریم، ساخته دوره پهلوی است. اما مسئله این است که چرا دوره قاجاریه از سوی او بررسی می‌شود و چرا دوره صفوی و مغول بررسی نمی‌شود؟ پاسخ این است که در دوره‌های دیگر در معرض تغییرات ساختاری قرار نداریم. وارونه‌نگاری از دوره پهلوی صورت گرفت. زرگری نژاد سهم بسیاری در زدودن فهم این

زنگارها ارائه کرده است. همین مقدار از ایران هم که زنده شد توسط آغا محمدخان بوده است. او از تاریخ‌نگاری قدیم فاصله می‌گیرد و وارد تاریخ‌نگاری جدید می‌شود. بسیاری تاریخ می‌نویسند اما درکی از تاریخ جدید ندارند.»

### ◀ ترکیب نگرش مورخانه و نگرش فیلسوفانه

علیرضا ملایی‌توانی، استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نیز در این نشست گفت: «باور من این است که غلامحسین زرگری نژاد یکی از قله‌های تاریخ‌نگاری امروز است. او چند ویژگی دارد که عمومی‌تر است. نسل دانشگاهی امروز ذهن دغدغه‌مند ندارد، نه قادر است دانشجو را هدایت کند و نه مسأله‌ای طرح کند. در ذهن یک استاد دغدغه‌مند مسأله شکل می‌گیرد که می‌تواند دانشجو را هدایت کند. تکرار و رونویسی در فضای آکادمی ما نتیجه همین موضوع است. ویژگی دیگر زرگری نژاد خلق آثار ماندگار، بزرگ و مرجع است. او وارد قلمروهایی شده و کارهایی را به انجام رسانیده که از عهده یک نفر خارج است و می‌طلبد گروهی بنشینند و این پروژه‌ها را به پیش ببرند. روز شمار قاجاریکی از پیچیده‌ترین کارهاست. او در روز شمار قاجار برای نخستین بار مرجع و منبع را نشان می‌دهد. نشان می‌دهد که چقدر درگیر اختلاف نظرها بوده است. از دیگر ویژگی‌های زرگری نژاد، ترکیب نگرش مورخانه و نگرش فیلسوفانه است. نگرش مورخانه را تاریخ‌نگاران پیشین انجام می‌دادند اما برای اینکه تاریخ را بفهمیم، نیاز است که کلی‌نگری داشته باشیم. آن نگاه کلان‌نگر امروز از عرصه‌های تاریخی رخت بر بسته است. زرگری نژاد این دو را به هم پیوند می‌دهد که کار سخت و بزرگی است. آن‌هایی که نگاه کلان‌نگر دارند معمولاً حوصله جست‌وجو در اسناد را ندارند. کسانی که غور می‌کنند معمولاً از یکی باز می‌مانند اما ترکیب این دو نتایج درخشانی به بار می‌آورد.»

دکتر غلامحسین زرگری نژاد نیز در پایان این نشست گفت: «از حضور استادان و دانشجویان در این نشست تشکر می‌کنم. استادان من را شرم‌منده کردند. خودم را شاگردی کوچک در کنار شاگردان خودم می‌بینم. با نظریه‌ای که تاریخ را شالوده‌شناسی می‌داند، مخالف هستم. من کسروی، ابن‌خلدون، مسعودی و برخی دیگر را مورخ می‌دانم. تاریخ‌پژوه عبارت است از کسی که در نوشته‌ها و آثار تاریخی غور می‌کند مانند دکتر باستانی‌پاریزی که تاریخ نمی‌نویسد بلکه تاریخ را پژوهش می‌کند. من تاریخ را شالوده‌شناسی حیات اجتماعی می‌دانم و معتقدم تاریخ گذشته نیست بلکه به قول ابن‌خلدون، تاریخ نقل و عقل است. تاریخ، منشعب از حکمت است و نه ذهن و حافظه و با این اندیشه سراغ تاریخ رفته و امیدوارم با دعای شما به کارهایم اضافه کنم. دو جلد تاریخ دانشگاه تهران را نوشته‌ام ولی ناقص مانده است و امیدوارم عزیزانی این تاریخ دانشگاه تهران را ادامه بدهند.»

گزارش تلویزیون

آغاز بخش میزگردهای انتخاباتی

نامزدها به همراه دو نفر از مشاوران شان  
مقابل کارشناسان قرار می‌گیرند

همزمان با برگزاری برنامه‌های تبلیغاتی نامزدهای ریاست جمهوری در صداوسیما از پنجشنبه میزگردهای تلویزیونی در سه بخش اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از شبکه‌های یک، دو و سه پیگیری خواهد شد.

«پیمان جبلی»، رئیس سازمان صداوسیما در نشست خبری اعلام کرد، سه میزگرد طراحی شده که نامزدها می‌توانند با حضور حداکثر دو نفر از مشاوران خود در آن حضور پیدا کنند. این میزگردها در حوزه فرهنگی، سیاست خارجی و اقتصاد برگزار می‌شود. با توجه به برگزاری زود هنگام انتخابات ریاست جمهوری، ستاد انتخابات در سازمان صداوسیما با هدف افزایش آگاهی عمومی، اطلاع‌رسانی و زمینه‌سازی شکل‌گیری حضور حداکثری مردم در انتخابات شکل گرفته است؛ که در همین راستا از چهارمین روز تبلیغات رادیویی و تلویزیونی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری، میزگردهای نامزدهای انتخاباتی در سه بخش اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برگزار خواهد شد. نامزدهای ریاست جمهوری به همراه مشاوران خود در این میزگردها که با حضور کارشناسان هر حوزه برگزار شده به بحث و گفت‌وگو درباره موضوعات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خواهند پرداخت. هر کدام از این میزگردها به طور اختصاصی متعلق به یکی از این موضوعات خواهد بود.

در این میان میزگردهای فرهنگی به میزبانی شبکه دو، میزگردهای سیاسی به میزبانی شبکه سه و میزگردهای اقتصادی در شبکه یک سیما در ساعات مختلف برگزار خواهد شد. میزگردهای سیاسی در بازه زمانی ۱۴:۳۰ تا ۱۶ میزگردهای فرهنگی در بازه زمانی ۱۹ تا ۲۰:۳۰ و میزگردهای اقتصادی ۲۲:۴۵ تا ۲۴ روی آنتن می‌رود.

از پنجشنبه ۲۴ خرداد میزگرد سیاسی با حضور مصطفی پورمحمدی از ساعت ۱۴:۳۰ تا ۱۶ روی آنتن شبکه سه می‌رود. میزگرد فرهنگی محمدباقر قالیباف از ساعت ۱۹ تا ۲۰:۳۰ و میزگرد اقتصادی مصطفی پورمحمدی از ساعت ۲۲:۴۵ تا ۲۴ از شبکه یک پخش خواهد شد.

اما به طور خاص، میزگردهای فرهنگی از امروز پخش خود را در شبکه دو پی می‌گیرد؛ پنجشنبه ۲۴ خرداد میزگرد فرهنگی «محمدباقر قالیباف»، جمعه ۲۵ خرداد میزگرد فرهنگی «امیرحسین قاضی‌زاده‌اشمی»، شنبه ۲۶ خرداد میزگرد فرهنگی سعید جبلی، یکشنبه ۲۷ خرداد میزگرد فرهنگی علیرضا زاکانی، سه‌شنبه ۲۹ خرداد میزگرد فرهنگی حجت‌الاسلام مصطفی پورمحمدی و چهارشنبه ۳۰ خرداد میزگرد فرهنگی مصطفی پورمحمدی و چهارشنبه ۱۹ از شبکه دو سیما پخش می‌شود.

میزگردهای سیاسی از شبکه ۳ سیما از ساعت ۱۴:۳۰ تا ۱۶ روی آنتن خواهد رفت. سعید جبلی جمعه درباره سیاست صحبت می‌کند. علیرضا زاکانی شنبه، محمدباقر قالیباف یکشنبه، مصطفی پورمحمدی سه‌شنبه و امیرحسین قاضی‌زاده‌اشمی چهارشنبه به همراه مشاوران خود در این برنامه حضور پیدا خواهند کرد و با کارشناسان سیاسی درباره موضوعات مربوط به سیاست به گفت‌وگو خواهند نشست. میزگردهای اقتصادی هم از ساعت ۲۲:۴۵ تا ۲۴ از شبکه یک پخش می‌شود. این میزگردهای پنجشنبه ۲۴ خرداد با حضور مصطفی پورمحمدی آغاز می‌شود. محمدباقر قالیباف جمعه، امیرحسین قاضی‌زاده شنبه، سعید جبلی یکشنبه، علیرضا زاکانی سه‌شنبه و مصطفی پورمحمدی چهارشنبه در این میزگردها حضور پیدا خواهند کرد.

جبلی روز گذشته در حاشیه جلسه هیات وزیران در جمع خبرنگاران در رابطه برنامه صداوسیما برای جلوگیری از نشر اکاذیب و طرح اتهامات از سوی نامزدهای انتخاباتی اظهار کرد: قانون انتخابات این موضوع را مشخص کرده و وظیفه کمیسیون تبلیغات همین است که اگر در طول برنامه زنده توهین، تعریض و یا مطلب خلافی در مورد شخص غایبی بیان شود، کمیسیون برای آن فرد وقتی را در نظر می‌گیرد تا در مدت زمانی که قانون تعریف کرده از خود دفاع کند.



تجلیل از آهنگساز ارباب حلقه‌ها

هاوارد شور، آهنگساز «ارباب حلقه‌ها» در جشنواره فیلم زوریخ تجلیل می‌شود. این جشنواره از این آهنگساز افسانه‌ای با اهدای جایزه دستاورد حرفه‌ای خود تجلیل خواهد کرد. وی که ۳ جایزه اسکار در کارنامه دارد و برای موسیقی‌های نمادینش در سه‌گانه «ارباب حلقه‌ها» و «هابیت» پتر جکسون شناخته می‌شود، این جایزه را در بیستمین دوره جشنواره در ماه اکتبر دریافت خواهد کرد.



ناراحتی راسل کرو از گلدیاتور

«راسل کرو» نظر خود را در مورد دنباله جدید فیلم «گلدیاتور» ساخته «ریدلی اسکات» به اشتراک گذاشت و اعتراف کرد که از ساخت این دنباله کمی ناراحت است و گفت: «از این واقعیت که آنها در حال ساختن یک فیلم دیگر هستند کمی ناراحت‌ترم زیرا شخصیت من در فیلم اصلی مرده است. چیزهایی در مورد فیلم شنیده‌ام که در واقع با آن موفق نیستم.»



حراج خانه کوین اسپسی

«کوین اسپسی» در یک گفت‌وگو در شبکه اجتماعی یوتیوب با پیرز مورگان ضمن اعتراف به این که در گذشته در مواقعی در روابط خود از حدود مرزها عبور می‌کرده است، عنوان کرد برای پرداخت هزینه‌های حقوقی دفاع از خود در برابر اتهامات سوءرفتار اخلاقی، خانه خود در «پالتمبور» را به حراج گذاشته است. «اسپسی» از زمان ساخت سریال «خانه پوئالی» به این خانه در پالتمبور آمریکا نقل مکان کرده است.



بی‌میلی کارگردانان

سینماگران ایرانی بر خلاف دهه‌های گذشته انگیزه‌ای برای همکاری با نامزدها ندارند

اما این روند حضور سینمایی‌ها از دهه ۹۰ دچار تغییراتی شد و نام فیلمسازانی از نسل‌های بعدی بیشتر دیده می‌شود. در انتخابات یازدهم بهروز شعبانی برای محمدباقر قالیباف، محمدحسین لطیفی برای علی‌اکبر ولایتی و مجید برزگر برای محمدرضا عارف، مستند تبلیغاتی ساختند. حسین دهباشی سازنده مستند حسن روحانی بود و حسین شمشق‌داری هم برای سعید جبلی فیلم ساخت. در آن دوره محمد غرضی و محسن رضایی هم نامزد انتخابات بودند که به ترتیب جلال عطارزاده و اسماعیل فلاح‌پور، کارگردانی مستند آن‌ها را بر عهده داشتند. اما سال ۱۳۹۶ را باید دوران افول حضور موثر کارگردان‌های نامدار سینما در ساخت مستندهای تبلیغاتی انتخابات دانست. در دوره دوازدهم فقط به نام مجید توکلی و محمدعلی فارسی می‌توان اشاره کرد که برای اسحاق جهانگیری و (شهید) ابراهیم ریسی مستند ساختند. برای محمدباقر قالیباف، سیدمحمود رضوی سرپرست تیم سازنده مستند معرفی شد و برای دیگر نامزدها هم خبری از حضور یک فیلمساز حرفه‌ای نبود.

این شرایط در دوره سیزدهم و در سال ۱۴۰۰ هم ادامه پیدا کرد و اگرچه نام چند چهره جوان و معروف فیلمساز مطرح بود اما تکذیب برخی خبرها و نیز تأیید نشدن‌های رسمی نتوانست فهرستی متنقن و واقعی از مشارکت فیلمسازان حرفه‌ای به جا بگذارد. با این حال به نظر می‌رسد امسال اوضاع کمی متفاوت باشد چراکه در روزهای گذشته پس از اعلام اسامی نامزدهای تأیید صلاحیت شده و گرم شدن تور رقابت، نام چند فیلمساز جوان که در سال‌های گذشته بیشتر مشغول ساخت فیلم و سریال بودند، شنیده شده که گویا ساخت مستند تبلیغاتی انتخابات را پذیرفته‌اند.

در این چند روزی گمانه‌زنی‌ها درباره اینکه چه کسانی فیلم‌های تبلیغاتی نامزدهای انتخابات را می‌سازند هم بیشتر شده و باید دید آیا پس از چند سال، حضور سینمایی‌ها باز هم در بخش ساخت محتوا برای انتخابات پررنگ می‌شود؟ در کنار این مساله به این نکته هم باید اشاره کرد که در این دوره تیم‌های رسانه‌ای نامزدها و متقاضیان شرکت در انتخابات از مدت‌ها قبل مشغول به کار بودند و فعالیت رسمی خود را از حضور نامزدها در ستاد انتخاباتی کشور آغاز کردند. اما حضور آنها تا به امروز محدود به ساخت تیزر و کلیپ‌های تبلیغاتی است و هنوز کارگردان اصلی مستندهای تبلیغاتی مشخص نشده است. تیزرهایی هم که تا به امروز ساخته شده، کیفیت چندانی ندارند که آنها را بتوان مثال‌زدنی دانست. حال باید دید مستندهای تبلیغاتی هم با همین کیفیت روانه آنتن می‌شوند یا اینکه کارگردانان شاخص با ایده و فکرهای درخشان پشت دوربین این فیلم‌ها می‌نشینند.

روز ثبت‌نام در انتخابات ریاست جمهوری، که به شکل دراماتیکی در این فیلم به تصویر کشیده شد، در پیروزی وی نقش غیرقابل انکاری داشت و توانست روایتی بصری از مشکلات دولت نخست اصلاحات را برای مخاطبان تصویرسازی کند. از دیگر نام‌های مطرح به (مرحوم) ضیاءالدین دری می‌توان اشاره کرد که برای احمد توکلی و علی فلاحیان فیلم ساخته بود و سعید ابوطالب هم برای حسن غفوری‌فرد مستند ساخت. جمال شوره کارگردان مستند شهاب‌الدین صدر بود و یک گروه نیز با مشاوره مجید مجیدی و سیف‌الله داد، مسئولیت ساخت مستند علی شمشق‌داری را برعهده داشتند. بر همین اساس هم بود که در این دوره کارگردان‌های نامداری وارد گود شدند و ساخت فیلم کاندیداها را برعهده گرفتند. احمدرضا درویش، کارگردانی فیلم خاتمی را برعهده گرفت و احمد توکلی به سراغ ضیاءالدین دری رفت و علی شمشق‌داری هم فیلم انتخاباتی‌اش را با مشاوره مجید مجیدی و سیف‌الله داد ساخت. جمال شوره (شهاب‌الدین صدر)، سعید ابوطالب (حسن غفوری‌فرد) و سعید جلیلود (منصور رضوی) از دیگر کارگردان‌هایی بودند که وارد گود فیلمسازی برای کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری شدند.

در سال ۱۳۸۴ کارگردان‌های شناخته شده دیگری به این عرصه وارد شدند و فیلم‌های تبلیغاتی، ساختار حرفه‌ای‌تر و گاهی سینمایی‌تری پیدا کردند. در این دوره رخشان بنی‌اعتماد برای مصطفی معین فیلم ساخت و کمال تبریزی مستند تبلیغاتی آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی را کارگردانی کرد که پر سر و صدا و بحث‌برانگیز هم شد. روایت کمال تبریزی از تردیدهای هاشمی‌رفسنجانی برای حضور در عرصه، مبنایی شد برای ساخت فیلم تبلیغاتی او که تأثیر ویژه‌ای بر مخاطبان گذاشت. سازنده مستند علی لاریجانی، مهدی فخیم‌زاده بود و برای محسن رضایی رسول ملاقلی‌پور فیلم ساخت. همچنین بهروز افخمی در آن سال برای مهدی کروبی، احمدرضا درویش برای محمدباقر قالیباف، جواد شمشق‌داری برای محمود احمدی‌نژاد و محرم زینالزاده برای محسن مهرعلیزاده دیگر نامزدهای انتخابات، مستند تبلیغاتی ساختند.

انتخابات سال ۱۳۸۸ را شاید بتوان دوره حضور جدی و متفاوت فیلمسازان و حتی کل مجموعه سینما در عرصه رقابتی انتخابات ریاست جمهوری دانست. در دهمین دوره انتخابات مجید مجیدی، احمدرضا درویش و مهدی کرپور برای میرحسین موسوی فیلم ساختند و (زندگیاد) علی معلم به بهروز افخمی برای مهدی کروبی، جواد شمشق‌داری همچون دوره قبل ساخت مستند برای محمود احمدی‌نژاد را برعهده گرفت و محمدعلی فارسی هم مستند محسن رضایی را کارگردانی کرد.

در تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری، برنامه‌ها و شیوه‌های مختلفی برای معرفی پیشینه و برنامه هر کدام از کاندیداها در دسترس قرار می‌گیرد اما در بین آن‌ها مستندهایی که توسط کارگردان‌های مطرح سینمایی ساخته می‌شوند، جایگاه دیگری دارند چون جدا از ارزش افزوده‌ای که به لحاظ کیفی ممکن است به دست آورند، می‌توانند به شناساندن خط فکری آن نامزد در عرصه فرهنگ و هنر و حتی جمع کردن طرفدار بیشتر کمک کنند.

از دهه ۷۰ بود که حضور کارگردان‌های مشهور سینما در ساخت مستند تبلیغاتی کاندیداها ریاست جمهوری بازار رقابت را در انتخابات داغ کرد.

در دوره‌های پیشین گاهی یک گروه فیلمساز مسئولیت ساخت مستند را بر عهده داشتند و گاهی هم فقط یک کارگردان به تهایلی فیلمی را برای نشان دادن دیدگاه‌ها و معرفی شخصیت و برنامه‌های یک نامزد ریاست جمهوری ساخته که برخی از آنها بسیار مورد توجه قرار گرفتند و در جلب نظر مردم اثرگذار بودند.

اگر از انتخابات سال ۱۳۷۶ شروع کنیم که تقریباً از آن به عنوان نخستین دوره‌ای یاد می‌شود که فیلمسازان مطرح سینما وارد گود انتخابات شدند، پخش مستندهای انتخاباتی از سیاستمداران، ایده‌ای بود که از سال ۱۳۷۶ به عرصه اجرا رسید و توانست توجه ویژه مخاطبان را هم جلب کند. در آن سال اگرچه کارگردان‌هایی که ساخت فیلم‌های تبلیغاتی کاندیداها را برعهده گرفتند، غالباً از چهره‌های نامدار هنر هفتم در ایران بودند اما محتوای کیفی فیلم‌ها بیشتر معطوف به بیانیه‌ها و شعارهای تبلیغاتی کلیشه‌ای بود که نشان می‌دهد، راه زیادی تا بهره‌گیری مناسب از ظرفیت‌های سینمایی برای معرفی کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری به مردم باقی است. به یاد می‌آوریم که سیف‌الله داد، بهروز افخمی و احمد مرادپور به عنوان سازندگان فیلم مستند سیدمحمد خاتمی معرفی شدند. در آن دوره بهزاد بهزادپور برای علی‌اکبر ناطق‌نوری مستند ساخت و رسول صدرعاملی هم برای رضا زوراهای دیگر نامزد انتخاباتی. محمد محمدی‌ری‌شهری هم ساخت فیلم تبلیغاتی خود را به یوسف مناجاتی، حسین فردرو و اسدالله ایمن سپرد. چهار سال بعد که منجر به ادامه استقرار دولت اصلاحات شد، حضور فیلمسازان هم جدی‌تر شد و نام‌هایی همچون احمدرضا درویش وارد این رقابت شدند. کارگردان «کیمیا» در انتخابات سال ۱۳۸۰ برای سیدمحمد خاتمی فیلم ساخت.

نکته جالب در این دوره اما جلب توجه‌ها به فیلم انتخاباتی خاتمی یا کارگردانی احمدرضا درویش بود که مانند سال ۱۳۷۶ توانست تأثیر قابل توجهی بر مخاطبان بر جا بگذارد. بعدها کارشناسان این گزاره را مطرح کردند که بعضی‌های خاتمی در



### دیدگاه: یادداشت روز

#### برای ماندن‌ها و بودن‌ها

نکاتی دغدغه‌مندانه برای رئیس دولت چهاردهم



حمیدرضا محمدی  
دبیر صفحه جوان و عضو شورای سازمان جوانان  
حزب کارگزاران سازندگی ایران

ایران ما این روزها روزهای سرنوشت‌سازی را تجربه می‌کند. دولت سیزدهم هرچه بود گذشت، تمام شد و به تاریخ پیوست تا در منظر و مرآی آیندگان قرار گیرد و درباره‌اش به قضاوت بنشینند. دولتی که البته سرشار و سراسر بود از ایراد و اشکال. با وزیران و مدیران و کارگزارانی بعضاً کارنابلد که تازه آمده بودند تا آزمون‌وخطا کنند و همین هم سبب بر باد رفتن شماری از دستاوردهای دولت پیشین هم شد.

همان‌هایی که برخی‌شان، با سینه‌ای ستبرکرده، آمدند و برای انتخابات ریاست جمهوری ثبت‌نام کردند. حالا اما فارغ از پروژه دستاوردسازی صداوسیما برای دولت سیزدهم، وقت شمانت نیست. زیرا گذشته چراغ راه آینده است و هر که، از این ۶ تن، بر سر کار می‌آید و بر صدر می‌نشیند و مسندگزين می‌شود، باید از آن اشتباهات و انتصابات درس گیرد تا سرنوشت ملتی به بازی گرفته نشود.

رئیس‌جمهور منتخب، باید کارآمدترین‌ها را به کار بگمارد و شایسته‌سالارانه کام بردارد و از دامادبازی و آقا‌داده‌گریسی - که البته همه‌شان جملگی چنین نمی‌کنیم، ولی از قضا همه چنان می‌کنند - سخت پرهیزد و دامن خود را نیالاید. زیرا باید فردا در پیشگاه مردم پاسخ دهد.

از توش و توان جوانان استفاده کند، ولی نه آنکه به نام جوان‌گرایی باشد، اما به کام هرکس و ناکسی.

وعده‌های پوچ ندهد. اینکه برای جوانان فلان تعداد شغل فراهم می‌کنیم و فلان قدر مسکن می‌سازیم و فلان‌اندازه وام می‌دهیم، همه‌اش پوچ و پوک است. مردم هم این را فهمیده‌اند. هر آن کس که بیاید و هارت‌وپورت کند و سروصدایش گوش‌کرکن باشد و بگوید من چند هزار صفحه طرح و برنامه و لایحه و مصوبه دارم، باید دانست از او ولو به قد و قد دانه ارزنی هیچ درنی‌آید. قرارها و قول‌های دور و دراز ناگفته پیداست که آخرش چه سرانجامی خواهد داشت؛ وعده‌هایی که همه خلف وعده شده‌اند. نه آنکه بی‌برنامه باشد، نه. حتماً و قطعاً و یقیناً باید برنامه داشت. عقل و شرع و عرف و قانون هم همین را می‌گوید. اما چیزی که با قوه عقل و منطق در تضاد و تضاد باشد. باقی هرچه جز این باشد می‌شود دروغ و نیرنگ و حتی عملیات فریب.

روشن و مبرهن است که جوانان کار می‌خواهند، مسکن می‌خواهند، وام می‌خواهند، تسهیلات برای راه‌اندازی کسب‌وکار یا تشکیل می‌خواهند و هزارویک جور خواستن‌های دیگر اما باید واقعی و حقیقی جلب و جذب‌شان کرد. باید برایشان محسوس و ملموس باشد که فکری پشت این حرف‌هاست و مشاورانی به‌واقع دلسوز پشت آن نشسته‌اند. باید درک کنند که فلان‌کسان آن همه تقلا نمی‌کنند برای تکیه زدن بر اریکه قدرت.

در همه این سال‌ها هرکس که نامزد انتخابات ریاست جمهوری شد آکنده از میناق و میعاد بود. اما وقتی بر سر کار آمد، گویی یا فراموش شد یا از پس آن همه بشارت‌دادن‌های عجیب‌وغریب برنیامد. آنکه می‌آید چهار سال از ملت وقت و مهلت گرفته است تا آنچه را که گفته عملی کند. باقی اگر جز این باشند، مردم را معطل کرده و این چیزی جز خیانت نیست.

باید بستر را برای جوانان در طلایی‌ترین برهه زیست‌شان فراهم کرد. وگرنه مثل خیلی‌های دیگر که در این سال‌ها رخت مهاجرت بر تن کرده‌اند، می‌روند. پس باید به احترام و احتشام همین ماندن و بودن کوشید و پویید و این خلق خسته را بیش از این بازیچه منافع و مطامع قرار نداد و حرمت شهروندی‌شان را نگه داشت و به لطایف‌الحیل چه در خانه و چه در خیابان و چه در دانشگاه و چه در کار و بازار بستی ایجاد کرد تا سهل و ساده برای ایران و ارتقا و اعتلای آنکه داغ و دغدغه همه‌شان است، بکوشند و بپویند.

دولت چهاردهم می‌تواند اعتماد از دست رفته را بازیابد و بازگرداند.



#### طرف بودن با مقدرها

کامران نوروزی: در انتخابات ما بسا مقدرها طرفیم. دویدن در پی مطلوب‌ها کار انقلابات است. برنده انتخابات سیاستمداری است که اگر یکی، دو گام جامعه را بالاتر ببرد، کارش را کرده است. آنان که شعارهای خیلی بزرگ می‌دهند و ادعا می‌کنند همه چیز به راحتی درست می‌شود؛ برای جمهوری و زندگی کمی بهتر یا سیاست و جامعه و اقتصاد نمی‌داند یا دروغ می‌گوید و فریب در کار اوست.



#### حافظ حقوق اساسی ملت

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه: کسانی که با یک برنامه ایجابی وارد عرصه می‌شوند، موفق‌تر هستند. مردم ایران امروز دل‌تنگ یک رئیس‌جمهور قوی هستند. موضوعی که برای مردم مهم است، آن است که رئیس‌جمهوری روی کار بیاید که بتواند از اختیارات قانون اساسی خود استفاده کرده، حافظ حقوق اساسی ملت شود. به عبارت روشن‌تر از این توان و عرضه برخوردار باشد که برنامه خود را اجرا کند.

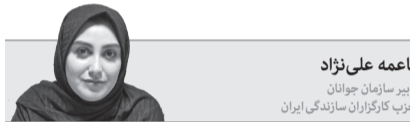


#### اهمیت وفاداری به آزادی

صالح نقره‌کار: نامزدهایی که احساس تکلیف کرده و خود را واجد نقش در کارزار انتخابات ریاست جمهوری دانسته‌اند، در برابر یک پرسش مهم و کلیدی قرار دارند؛ چگونه می‌خواهند به‌عنوان شخصیتی که قرار است مسئولیت اجرای قانون اساسی را بر عهده بگیرد، به مفاد سوگند اصل ۱۲۱ قانون اساسی وفادار مانده و «از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته» تا پای جان حمایت کند؟

# مشارکت آگاهانه

## درباره لزوم حضور اندیشه‌ورزانه شهروندان در انتخابات



ناعمه علی‌نژاد  
دبیر سازمان جوانان  
حزب کارگزاران سازندگی ایران

در جوامع مدرن دموکراسی به الزامی برای حکمرانی تبدیل شده است و شهروندان خواهان نقش گسترده‌تری در اتخاذ تصمیمات هستند. اما مشارکت حداکثری تنها الزام تحقق دموکراسی حقیقی نیست، بلکه به پیش‌شرط‌های دیگری چون اعتماد سیاسی، دانش سیاسی، هنجارپذیری سیاسی و شبکه‌های سیاسی نیاز است. این مفاهیم که بازنمای مفهومی با عنوان سرمایه سیاسی است و توانایی شهروندان را برای متاثر ساختن سیستم سیاسی‌شان افزایش می‌دهد. به همین دلیل بهبود کیفیت دموکراسی نیازمند بهبود سرمایه سیاسی شهروندان است.

اولین گام در این راستا، شناسایی عواملی است که بر سرمایه سیاسی تأثیر می‌گذارد. در عصر حاضر، در یک‌سو شاهد جوامعی هستیم که شهروندان‌شان خواهان آن هستند که خود سرنوشت‌شان را رقم زنند و مترصد آن هستند تا حاکمیت بر تمامی جنبه‌های حیات اجتماعی خویش را به دست گیرند. به همین منظور با بیانیه‌های رهبران سیاسی، دست به اقدامات مورد نظر آنان می‌زنند. در سویی دیگر، جوامعی قرار دارند که دولت‌هایشان برای تحکیم مشروعیت خود دغدغه مشارکت حداکثری مردم را دارند. در این میان آنچه در هر دو دسته از جوامع ممکن است نادیده گرفته شود، میزان آگاهی سیاسی شهروندان است. در جوامع دسته اول، اکثریت مردم تصویر روشنی از



آنچه مجدانه به دنبال آن هستند، ندارند چراکه عموماً مصرف‌کننده اندیشه‌های رهبران خود هستند. بنابراین درگیر آن چیزی می‌شوند که دیگران برایشان رقم می‌زنند، بی‌آنکه بدانند باز هم گرفتار همان سرنوشت پیشین هستند اما این بار به بهایی گرفتار. در جوامع دسته دوم، آن دغدغه و افتخار که ناشی از بی‌اندیشگی مسئولان مردم است، به حاکمیت افرادی منتج می‌شود که هرچند ممکن است نفع شخصی را در سر نبرورند اما سرنوشت کل جامعه را قربانی ناآگاهی خود می‌کنند. نتیجه نهایی در این جوامع، بهتر از دسته اول نخواهد بود؛ باز هم همان دور تسلسل ناآگاهی - قربانی شدن عامه.

وجود یک دولت مردم‌سالارانه نیازمند مشارکت سازمان‌یافته و آگاهانه و اندیشه‌ورزانه شهروندان است. این مشارکت و آگاهی، بازنمای همان مفهوم سرمایه سیاسی است. به بیانی دیگر، سرمایه

سیاسی شامل نگرش‌ها و رفتارهای شهروندان است که سیستم سیاسی، دولت، متصدیان در دولت، گروه‌های اجتماعی و خود شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مساله اصلی آن است که علل پایین بودن سطح سرمایه سیاسی چیست؟ به بیان دیگر، چه عواملی سرمایه سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهند؟ با شناسایی این عوامل اثرگذار، می‌توان اقداماتی را در راستای بهبود سرمایه سیاسی برای چشم‌اندازی بلندمدت طرح‌ریزی کرد. در سطح سازمانی، سرمایه سیاسی به‌عنوان توانایی سازمان در تأثیرگذاری بر سیاست‌های دولت تعریف می‌شود. این تأثیر سیاسی مستلزم دسترسی به تصمیم‌گیرندگان، آگاهی از خط‌مشی‌های عمومی عرصه‌ای که سازمان در آن فعالیت دارد در شکل دادن ماهرانه راهبردها موثر است. در سطح اجتماعی بر این موضوع که چگونه فعالیت سازمان‌یافته شهروندان مشارکت در عرصه سیاسی را ارتقا

می‌دهد و به به‌سازی دموکراسی می‌شود، تمرکز شده است. به بیانی دیگر، سرمایه سیاسی در این سطح تنها محدود به سیاستمداران نیست، بلکه همه شهروندان را در برمی‌گیرد. همان‌طور که اشاره شد، ابعاد گوناگونی را برای سرمایه سیاسی متصور می‌شود. کامل‌ترین ابعاد در نظر گرفته شده، شامل چهار بعد دانش و مهارت‌های سیاسی، دارا بودن نگرش‌ها و هنجارهای اجتماعی که با حیات سیاسی مرتبط است، شبکه‌های سیاسی، تعامل با مسئولان، تعامل با دیگر گروه‌های شهروندی و انجام کنش سیاسی است. از این رو، سرمایه سیاسی اولین عنصر مشارکت شهروندان در انتخابات است که تحقق آن امری بلندمدت و نیازمند تعامل دولت و ملت است.

# تدبیر برای تعیین سرنوشت

## چالش‌های جوانان برای رئیس‌جمهور آینده



محمد معین جوادی  
عضو شورای سازمان جوانان  
حزب کارگزاران سازندگی ایران

به فهرست افرادی که برای انتخابات پیش‌رو ثبت‌نام کرده‌اند نگاهی بیندازید، متوجه می‌شویم افرادی حضور دارند که قبلاً بارها نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری شده و مورد اقبال قرار نگرفته بودند. نگاهی به انتخابات پیشین مجلس بیندازید، افراد شاخصی که فهرست‌های انتخاباتی را می‌بستند همان اسامی آشنایی بودند که چندین دهه است به همین کار مشغول هستند. به راستی، چرا جریان تازه‌ای در سپهر سیاست در ایران از لحاظ نسلی شکل نمی‌گیرد و کهنه‌سیاستمداران ایرانی جای خود را به جوانان جوانی نام نمی‌دهند. شاید بتوان یکی از علل توسعه‌نیافتگی ایران را همین متوقف ماندن چرخه‌های تصمیم‌گیری و مدیریتی در نسل اول و دوم انقلاب دانست. نسلی که فرصت کافی برای خدمت‌گزاری به مردم را داشته و خوب یا بد هرچه در توانش بوده را به فعالیت رسانده است. حال با توجه به در پیش بودن انتخابات ریاست‌جمهوری یکی از مهم‌ترین اقشار مردمی در مواجهه با نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری، «جوانان» هستند. درحالی که ایران یکی از کشورهای پیشتاز در زمینه مهاجرت جوانان و به‌ویژه قشر دانشگاهی است؛ بیم

آن می‌رود که در آینده‌ای نه‌چندان دور برای تامین نیروی انسانی متخصص دچار مشکلات اساسی شویم، حال یکی از مهم‌ترین مطالبات از رئیس‌جمهور آینده چاره‌اندیشی در این خصوص می‌تواند باشد. مهم‌ترین دلیل مهاجرت جوانان، نداشتن انگیزه و امید کافی برای آینده است. آینده‌ای که به دلیل تورم افسارگسیخته، نبود امنیت شغلی، نگاه‌های تبعیض‌آمیز، اشتغال نامناسب و... به‌شدت مورد تهدید و نگران‌کننده دیده می‌شود. فردی که قرار است در ایران رئیس‌جمهور شود، نخست باید بارقه‌های امید را در جوانان زنده نگاه دارد تا در پس این امیدی که بذر هویتی اکثر علاقه‌مندان به این مرزوبوم است، نیروهای متخصص داخلی به کار گرفته شوند. رئیس‌جمهور آینده باید بیش از آنکه برای کارشناسان و متخصصان سخنرانی کند، به سخنان این افراد گوش دهد و به مشورت‌های آنان جامه عمل بپوشاند. نکته دیگر درخصوص جوانان احساس به رسمیت شناخته شدن از سوی جامعه است. پدیده دهه هشتادی‌ها ثابت کرد سبک زندگی جوانان امروزی با آنچه نسل‌های قبلی برای خود انتخاب کرده بودند، تفاوت‌های آشکاری دارد. یکی از مهم‌ترین چالش‌های رئیس‌جمهور آینده در عرصه فرهنگی توان او در به رسمیت شناختن و حتی جرم‌نگاری از مضامین و مضادین این سبک زندگی متفاوت است. امروزه جوانان ایرانی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های خود را استفاده راحت و بی‌دردسر

از اینترنت و فضای مجازی عنوان می‌کنند؛ چراکه فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی در مغایرت آشکار با زندگی آزادانه و بدون محدودیت آنان است. فیلترینگی که همواره از حمایت طیف سنت‌گرای جامعه برخوردار بوده و سوال مهمی برای نامزدهای انتخاباتی به وجود می‌آورد؛ اینکه تا چه اندازه حاضرند برای جوانان این مرزوبوم خود را به زحمت بیندازند و با برخی نهادهای حاکمیتی مواجه شوند. از دیگر موارد مربوط به جوانان بحث «ازدواج» است. امری که تا همین چند دهه پیش در جامعه ایران یک اتفاق طبیعی و عادی در زندگی هر فردی تلقی می‌شد؛ اما امروزه به یکی از پیچیده‌ترین مشکلات جوانان و حتی افراد با سن بالا تبدیل شده است. جدا از مشکلات اقتصادی، دیدگاه‌های خاص فرهنگی نیز در این زمینه دخالت داشته و باورهای خاصی که در ذهن برخی جوانان و حتی خانواده‌ها در این رابطه شکل گرفته است، موانعی بر سر راه ازدواج جوانان به وجود آورده است. از مهم‌ترین برنامه‌هایی که انتظار می‌رود از رئیس‌جمهور آینده برای آن برنامه داشته باشد، توجه به این مقوله است و پاسخ به این پرسش که چه تدابیری برای این موضوع اندیشیده است. روی هم‌رفته می‌توان گفت با توجه به جمعیت بالای جوانان در ایران، برنامه‌ها و نظرات نامزدهای ریاست‌جمهوری در این حوزه می‌تواند در میزان مشارکت و تعیین سرنوشت رئیس‌جمهور آینده ایران نقش به‌سزایی داشته باشد.



### شهریه غیر دولتی‌ها

احمد محمودزاده، معاون وزیر آموزش و پرورش گفت: شهریه ۶ درصد دیگر از مدارس کشور بین ۴۰ تا ۵۰ میلیون تومان است و ۲/۵ درصد مدارس نیز شهریه‌هایی بین ۵۰ تا ۶۰ میلیون تومان خواهند داشت. ۱/۵ درصد شهریه‌های مدارس نیز بین ۶۰ تا ۷۰ میلیون تومان تعیین شد و در نمودار، نرخ شهریه کمتر از یک درصد مدارس بین ۷۰ تا ۸۰ میلیون تومان است.



### جوش شیرین ممنوع

جعفر جندقی، رئیس مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت با تأکید بر اینکه استفاده از جوش شیرین برای پخت نان ممنوع است، گفت: در صورت بروز تخلف براساس نوع تخلف انجام شده با متخلفان برخورد می‌شود. در حال حاضر تمام بازرسان وزارت بهداشت که نانواها را مورد رصد و پایش قرار می‌دهند به دستگاه شوری‌سنج مجهز هستند و میزان شوری نان بلافاصله مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.



### وام ۴۰۰ میلیونی

مسعود گنجی، رئیس صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم از افزایش مبالغ وام ودیعه مسکن متاهلی در نیم‌سال جاری خبر داد و گفت: مبالغ جدید وام برای ساکنین شهر تهران ۲۰۰ میلیون تومان، شهرهای بزرگ ۱۵۰ میلیون تومان و شهرهای کوچک ۱۰۰ میلیون تومان شد. به همین منظور دانشجویان متقاضی تا هفته آینده شنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۳ مهلت دارند، تقاضای خود را ارائه کنند. همچنین شرایط ضامنین هم تغییر کرده است.

# دولت خبر قوه قضاییه را تکذیب کرد!

در حالی که سخنگوی قوه قضاییه می‌گوید فرش‌های سعدآباد گم نشده‌اند اما دولت این موضوع را تکذیب می‌کند



**گروه اجتماعی:** «ماجرای مفقود شدن فرش‌های نفیس مجموعه سعدآباد در دولت سابق با اظهار نظر روز سه‌شنبه سخنگوی قوه قضاییه و بعد تکذیب موضوع از سوی دولت وارد مرحله جدیدی شد. سخنگوی قوه قضاییه گفته بود که برخی از فرش‌هایی که ادعا شده بود، سرقت شده در سایر دستگاه‌های دولتی پیدا شده سرقت این فرش‌ها تکذیب می‌شود و در واقع جابه‌جا شده است. اما نکته جالب اصرار مقامات دولتی به سرقت فرش‌های سعدآباد است.

محمد دهقان، معاونت حقوقی دولت در حاشیه جلسه هیات دولت و در جمع خبرنگاران طی سخنانی درباره پرونده سرقت فرش‌های کاخ سعدآباد گفته که: پرونده فرش‌های نفیس کاخ سعدآباد مفتوح است اما تا الان رأی صادر نشده و از ۴۸ فرشی که سرقت شده هنوز هیچ فرشی پیدا نشده است. متهمان بازجویی شدند اما اگر فرشی پیدا شده باید تحویل کاخ سعدآباد شود!

اولین بار خبرگزاری فارس با نشر این خبر به نقل از یک شاهد عینی نوشت: «فرش‌ها به خانه کسی منتقل شده است». اما در این گزارش نامی از فرد مورد نظر برده نشده است. در آن زمان عزت‌الله ضرغامی در گفت‌وگویی با خبرنگاران اعلام کرده بود: «حراست ما یک گزارش مقدماتی تهیه کرده که هنوز قابل استناد نیست. در جریان باشید غیر از اینکه این اتفاق مربوط به دوره‌های گذشته است، خود آن مجموعه در اختیار میراث فرهنگی نیست، یعنی بخشی از کاخ سعدآباد در اختیار دستگاه‌های دیگری است.»

انتشار این خبر با واکنش‌های زیادی روبه‌رو شد. وبسایت حسن روحانی با انتشار یک بیانیه اعلام کرد: «انتشار خبری مخدوش، مغشوش و بدون ذکر منبع و ارائه سندی معتبر صرفاً بنا بر ادعای یک ناشاهد ناشناس در یک رسانه رسمی چطور می‌تواند مستند باشد؟ مراجع قانونی و قضایی باید از رسانه‌ها بخواهند اسناد خود را در این خصوص در اختیار مراجع قانونی بگذارند و نام فردی که فرش‌ها به خانه او منتقل شده را افشا کنند.»

وبسایت حسن روحانی در ادامه توضیح داد: «نهاد ریاست جمهوری به محض دریافت نخستین گزارش در این باره در سال ۱۳۹۹ که سابقه امر را به دوره قبل از آغاز کار دولت یازدهم می‌رساند، رسیدگی لازم را انجام داده و موضوع را فوراً به مراجع نظارتی و قضایی ارجاع داده است. آیا طرح رسانه‌ای موضوع، سه سال بعد، بیش از آنکه به گذشته و اصل موضوع مربوط باشد، برای انحراف افکار از آنچه امروز می‌گذرد، نیست؟» در ادامه واکنش‌ها علی‌بهداری‌چهرمی، سخنگوی دولت ایران روز سوم خرداد سال گذشته در پاسخ به پرسش خبرنگاران درباره مفقود شدن فرش‌های کاخ سعدآباد گفت: «این موضوع قدیمی است. این دولت چون فسادها را پیگیری می‌کند، یکی یکی هر کدام از فسادهایی که روی زمین

مانده و پیگیری نشده را دنبال می‌کند، خودش متهم می‌شود. از رسانه‌ها خواهش می‌کنم، روشن باشند که چه کسی شاکی و چه کسی متهم است؟ دولت شاکی است و تخلفاتی که چه در گذشته و چه در دوره حاضر رخ دهد را باید پیگیری کرد.» در واکنش محمود واعظی، رئیس دفتر حسن روحانی گفت: «طرح مجدد و رسانه‌ای موضوع مفقودی فرش‌ها از اساس سیاسی و با اهداف انتخاباتی است.» واعظی گفت که مفقود شدن این فرش‌ها مربوط به آغاز کار دولت یازدهم است و نهاد ریاست جمهوری از سال‌ها پیش به عنوان مدعی پرونده، خود در حال پیگیری قضایی آن بوده است.

رئیس دفتر حسن روحانی آن زمان حرکت رسانه‌های محافظه‌کار را انتخاباتی و در راستای «حذف و یکدست‌سازی» سیاسی دانست و گفت اکنون «اتهام سرقت تلوئیون‌های کاخ سعدآباد را هم مطرح کرده‌اند.»

در نهایت نیز برخی رسانه‌ها اعلام کردند که پرونده سرقت فرش‌ها در دادگاه ویژه روحانیت بررسی می‌شود. فرش‌های مورد اشاره، مجموعه‌ای است که آن را دومین مجموعه گران‌قیمت فرش در جهان و دومین کلکسیون بزرگ فرش در دنیا لقب داده‌اند و شامل فرش‌های نفیسی از دوره قاجار و زندیه است. کارشناسان، قیمت تنها ۱۰ تخته فرش از این ۴۸ تخته فرش مسروقه را ۱۳۰ میلیارد تومان برآورد کرده‌اند.

### حافظیه کجاست؟

در آن زمان رئیس روابط عمومی مجموعه تاریخی سعدآباد با اشاره به انتقال فرش‌ها به ساختمان حافظیه گفته بود: «فرش‌های مفقود شده، ارتباطی به ما ندارد چراکه مسئولیت حفظ و نگهداری ساختمان حافظیه کاخ سعدآباد بر عهده نهاد ریاست جمهوری است.»

ساختمان حافظیه در ضلع جنوبی مجموعه فرهنگی و تاریخی کاخ سعدآباد قرار دارد و از سال ۱۳۷۴ محل برگزاری جلسات ریاست جمهوری و پذیرایی و ملاقات سران سیاسی

و شخصیت‌های دیپلماتیک کشورهای خارجی است و اشیاء و اموال نفیس و گران‌بهایی در آن نگهداری می‌شود. در گزارش خبرگزاری فارس آمده بود: «در جریان تحقیقات معلوم شده، فرش‌ها در بازه زمانی سه ساله ۹۲ تا ۹۵ از حافظیه خارج شده‌اند که به گفته یکی از شاهدان که در این مجموعه مسئولیت داشته، سال ۹۵ با یک دستگاه وانت مزدا به منزل یکی از مسئولان ارشد دولت سابق برده شده‌اند؛ همچنین بر اساس یافته‌های اولیه، دو تخته قالیچه ابریشمی مفقودی نیز در یک چمدان جاسازی شده و به سرقت رفته‌اند.»

این خبرگزاری همچنین مدعی شده بود، این پرونده با ۹ متهم که برخی از نزدیکان یکی از مقامات ارشد دولت سابق نیز در میان آنها هستند تحت عنوان «اختلاس، خیانت در امانت، سرقت و تصرف غیرقانونی در اموال دولتی» بر اساس قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری در یکی از شعب ویژه قضایی در حال رسیدگی است. در ادامه اما رئیس اتحادیه فروشندگان فرش دستباف و رئیس موزه فرش هم به اظهارکنندگان پیوستند و مواضع متناقضی بیان کردند.

مسعود سپهرزاد، رئیس اتحادیه فروشندگان فرش دستباف گفته بود که «فرش‌ها از کاخ سعدآباد به موزه فرش ایران در چهارراه فاطمی انتقال داده شدند» اما مهراڤن صحرایی، رئیس موزه فرش در تکذیب آن گفت: «در سال ۱۳۸۷ دو قطعه فرش به صورت امانی از مجموعه کاخ بوستان نهاد ریاست جمهوری به موزه فرش داده می‌شود. این فرش‌ها در سال ۱۳۹۴ به صورت قطعی در اختیار موزه فرش قرار می‌گیرد.» او با رد کردن انتقال فرش در دهه ۹۰ از کاخ سعدآباد به موزه فرش تأکید کرده بود که: «در این سال‌ها هیچ فرشی آن هم با این تعداد به موزه فرش انتقال داده نشده است.»

مجموعه فرهنگی تاریخی سعدآباد در کوهپایه‌های توجال و دره دربند در شمال تهران با مساحتی بالغ بر ۱۱۰ هکتار از آثار مهم فرهنگی، هنری و تاریخی ایران است که زمان ساخت آن به دوران قاجار بازمی‌گردد.

### در اجاره دولت

#### محدودیتی برای معلولان اعمال نشده است

پاسخ کتابخانه ملی به گزارش سازندگی



در پاسخ به مطلب «کتابخانه غیرمیلی! معلولان اجازه ورود به کتابخانه ملی را ندارند» در شماره ۱۷۱۷ آن روزنامه، نکات زیر در جهت روشن‌نگری و تبیین موضوع اعلام می‌شود.

کتابخانه ملی ایران مطابق ماده ۲ قانون اساسنامه خود، «موسسه‌ای است آموزشی (علمی)، تحقیقاتی و خدماتی» و در ماده ۳ آن قانون اهداف ۶ گانه‌ای برای آن مشخص شده که به روشنی نشان‌دهنده تفاوت عمده و اساسی آن با کتابخانه‌های عمومی، دانشگاهی و تخصصی است.

در حالی که این برداشت غیردقیق برخی که کتابخانه ملی را کتابخانه‌ای عمومی می‌دانند در سال‌های مختلف موجب بروز اشکالات و اختلالاتی در انجام وظایف اساسی این کتابخانه شده است.

کافی است توجه شود که در حال حاضر این کتابخانه حدود ۲۶۰ هزار عضو دارد، در حالی که مجموع صندلی‌های تالارها که شامل میزهای جست‌وجوی کتاب هم می‌شود ۱۱۹۴ صندلی است. آمار مستند سال ۱۴۰۲ نشان می‌دهد به صورت میانگین روزانه ۱۳۷۸ عضو در کتابخانه حضور داشته‌اند.

این وضع باعث شده که اولاً از مجموع حدود ۲۶۰ هزار عضو کتابخانه ملی در سال ۱۴۰۲ تنها ۲۷/۸۷۶ عضو امکان استفاده پیدا کنند و همین تعداد هم در اغلب روزها با مشکل کمبود صندلی روبه‌رو شده‌اند. بدین ترتیب کتابخانه ملی، چند راه بیشتر در پیش‌رو ندارد:

الف) افزایش ظرفیت که به‌رغم پیگیری‌های مکرر به دلیل وضعیت بودجه، امکان آن وجود ندارد.

ب) اکتفا کردن به اعضای فعلی و عدم عضوگیری جدید که منجر به محروم کردن بسیاری از محققان و پژوهش‌گران می‌شود.

ج) محدود کردن دوره عضویت برای امکان حضور اعضای جدید. بدیهی است که برخی اعضای فعلی مایل‌اند اگر ۱۰ سال است در این کتابخانه عضویت دارند و متأسفانه جمع کثیری از آنها هیچ‌گونه فعالیت پژوهشی و تحقیقاتی هم نداشته‌اند (که توضیح در این خصوص را به فرصت دیگر موکول می‌کنیم) همچنان عضویت‌شان ادامه یابد و محققان و پژوهشگران جدید از عضویت محروم بمانند.

د) درباره حذف معلولان نیز اگر برخی افرادی که این روزها در مصاحبه‌ها تغییر شیوه‌نامه عضویت را مورد اعتراض قرار داده‌اند، یا برخی اهالی محترم مطبوعات و رسانه‌ها حتی یک‌بار به تالارهای متعدد کتابخانه ملی مراجعه کرده بودند به وضوح مشاهده می‌کردند که در زمان ساخت‌وساز این کتابخانه هیچ‌گونه پیش‌بینی لازم برای تردد معلولان محترم به این تالارها صورت نگرفته و در تمامی این سال‌ها نیز این گروه کمترین استفاده را از کتابخانه ملی داشته‌اند. لذا برای تسهیل استفاده این عزیزان، امتیازهای ویژه‌ای در عضویت بخش کتابخانه برخط پیش‌بینی شده که شیوه‌نامه مربوط به زودی اعلام خواهد شد.

در مورد پدیدآوردگان کتب و مقالات علمی نیز اولاً اگر این پدیدآوردگان شرایط عضویت عادی یا پژوهشی داشته باشند که مشکلی برای عضویت ندارند اما اگر نویسنده‌ای نه فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی ارشد است، نه دانشجوی دکتری و معادل آن در حوزه‌های علمیه و درجه یک، دو، سه هنری و نه برگزیده جشنواره‌های علمی و نه از سوی بنیاد نخبگان معرفی شده در این صورت می‌تواند، عضو بخش کتابخانه برخط شود که شیوه‌نامه عضویت آن به زودی اعلام می‌شود. البته امکان عضویت موقت این قبیل افراد در ماده ۵ شیوه‌نامه هم پیش‌بینی شده است.

## فراخوان مناقصه عمومی خرید تجهیزات آنتنالاین

شرکت ارتباطات سیار ایران (همراه اول) در نظر دارد از طریق برگزاری مناقصه عام نسبت به شناسایی تامین‌کنندگان فعال، توانمند و دارای صلاحیت در حوزه تجهیزات آنتنالاین (تجهیزات جانبی آنتن) اقدام کند. لذا از تمامی شرکت‌های فعال در این زمینه دعوت شده تا روز چهارشنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۳ به پایگاه جامع اطلاع‌رسانی معاملات همراه اول (tamin.mci.ir) مراجعه کرده و مطابق اسناد مرتبط در مناقصه مذکور شرکت کنند. متقاضیان می‌توانند از طریق این لینک برای دریافت جزئیات بیشتر و شرکت در مناقصه مذکور اقدام کنند.



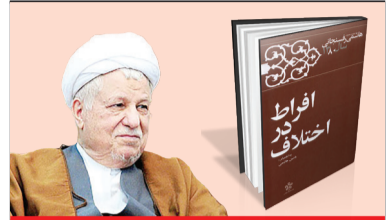
فراخوان مناقصه عمومی خرید تجهیزات آنتنالاین

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: سیدفاضل موسوی • سردبیر: اکبر منتجبی

زیرنظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیراقتدایی

مدیرتیر: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌نفر • حروف‌چین: مجتبی دیدگر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان، ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز، ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۲۱

**ادامه شنبه ۲۵ فروردین**  
**مصاحبه با گروه سرپال انقلاب تنها**  
عصر، مصاحبه‌ای با گروه سرپال «انقلاب تنها» درباره تهدیدهای انقلاب و دشمنان داشتیم. شب در تالار وحدت، نمایش کاروان خورشید در مورد حادثه دیر راهب و آسرای اهل بیت و سرهای مقدس شهدای کربلا را دیدیم؛ عوامانه است اما حزن‌آور. آقای [احمد] مسجداجمعی، وزیر [فرهنگ و ارشاد اسلامی] که آنجا بود از حل نشدن مشکلات فراوانش گله داشت. گفت، اخیراً قوه قضاییه شروع به فشار بر فیلم‌ها کرده و می‌خواهد، جلوی اکران بعضی فیلم‌ها را بگیرد.

**یکشنبه ۲۶ فروردین**  
**انتقاد از سفر نخست‌وزیر هند به ایران**

دکتر [حسن] روحانی، [دبیر شورای عالی امنیت ملی] آمد. گفت، ملاقاتی با آقای [سیدمحمد] خاتمی، [رئیس‌جمهور] داشته و به ایشان گفته، مصلحت نیست که مجدداً نامزد شود چون تاکنون نتوانسته کار مهمی انجام دهد و در دوره آینده، وضع بدتر است ولی دریافت کرده که تصمیم به نامزد شدن دارد. مشورت کرد، درباره نامزد شدن فردی از حزب عدالت و توسعه که بناست امروز عصر با ایشان در این مورد مشورت کنند. جلسه با معاونان مرکز تحقیقات [استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام] داشتیم. بیشتر صحبت‌ها در مورد انتخابات بود. نوعاً معتقدند که اگر آقای خاتمی بیاید، چهار سال آینده اختلافات و وضع بدتر است؛ ضمن اینکه راه دیگری هم آرایه نمی‌دهند. عصر آقای [علی‌محمد] بشارتی، [وزیر سابق کشور] آمد. از بدی اوضاع و خوبی آن در دوره دولت سازندگی گفت و شنید.

آقای [بیژن نامدار] زنگنه، [وزیر نفت] و معاونان آمدند. گزارشی از امور جاری وزارت نفت، اکتشاف، صنعت، تولید و صادرات، طرح‌های مهم در گاز و نفت و پتروشیمی، گازسوز کردن ماشین‌ها ... دادند. گفت، شرکت شل در خزر برای ایران لرزه‌نگاری کرده و چند مخزن نفت و گاز شناسایی شده که قسمت عمده آن در شمال خط آستارا-حسینقلی است و کمی در ساحل رودسر و رامسر و روی خط مجموعاً حدود ۳۰ میلیارد بشکه نفت است. آقای [محمدرضا] نعمت‌زاده، [معاون وزیر نفت در امور پتروشیمی و مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی] هم درباره پتروشیمی گزارش داد و مهدی، [مدیرعامل سازمان بهینه‌سازی مصرف سوخت] درباره گازسوز کردن [خودروها]؛ با توجه به طرح‌های در حال اجرا، آینده خوبی برای صنایع نفت و گاز و پتروشیمی، پیش‌بینی می‌کند.

در رسانه‌های پاکستان، انتقاداتی از سفر نخست‌وزیر هند به ایران و گرمی روابط با ایران و اعلام شرکت دآوری هند در مسأله افغانستان می‌شود.

**دوشنبه ۲۷ فروردین**  
**انتظار کمک برای کم کردن تشنج‌ها**

آقایان [محمدرضا] نوری شاه‌رودی، [سفیر سابق ایران در عربستان] و [علی‌اصغر] خاجی، سفیرمان در عربستان سعودی آمدند. راجع به عربستان و آقای [امیر] نایف [بن‌عبدالعزیز]، وزیر کشور مطالبی گفتند. آقای [عبدلواحد] موسوی لاری، [وزیر کشور] هم در همین مورد و نیز مسایل داخلی آمد؛ صحبت کرد و گفت، از شما انتظار است که برای کم کردن تشنج‌ها و درگیری‌ها کمک کنید و گفت، هنوز آقای [سیدمحمد] خاتمی، [رئیس‌جمهور]، تصمیمش را در مورد انتخابات [ریاست‌جمهوری] اعلام نکرده است.

انتخابات

## منتخب ملت باید برای ۱۰ مساله راه حل داشته باشد

### روحانی درباره ملاک‌های انتخاب رئیس‌جمهور آینده بیانیه داد

حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران در دولت‌های یازدهم و دوازدهم در بیانیه‌ای به مناسبت انتخابات چهاردهمین دوره ریاست‌جمهوری، سؤالات ده‌گانه‌ای را به عنوان «ملاک انتخاب رئیس‌جمهور» مطرح کرده است. حسن روحانی در این بیانیه تأکید کرده، کسی که می‌خواهد مسئولیت اجرایی کشور را به عهده بگیرد باید حداقل برای ۱۰ مسأله اصلی: رفع تحریم، رشد سرمایه‌گذاری، سالم و رقابتی شدن اقتصاد، حق اینترنت مردم، شفافیت و توازن بودجه، اصلاح سیاست‌های پولی و ارزی، تأمین سلامت ارزان، اجرای تام و تمام قانون اساسی، تضمین آزادی‌های مدنی و اعتلاء اخلاق در جامعه، راه‌حل روشن داشته باشد و بتواند این راه‌حل را محقق کند.

او بسا یادآوری اینکه حادثه اندوهبار سقوط هلی‌کوپتر رئیس‌جمهور فقید، شریای را پیش آورد که شما ملت نجیب و صبور، بار دیگر اوج اخلاق و عاطفه اجتماعی را به نمایش بگذارید و با چشم پوشیدن از مواضع و سلیقه‌های متنوع سیاسی، وحدت و انسجام ملی در روزهای حادثه را به تصویر بکشید. وی ادامه داد: اینک در پس آن رویداد تلخ-که علل و اسباب آن باید توسط مسئولان رسیدگی و به مردم گزارش شود- فرصتی برای اعلام رأی و ابراز نظر مردم در خصوص مسیر آینده کشور پیش آمده است. ملت ایران، همچنانکه هوش عاطفی والای خود را در بیان احساسات خود به نمایش می‌گذارد اما در امر تعیین سرنوشت خود و گزینش حاکمان شایسته با هوشیاری و به دور از هیجانات زودگذر، روندهای گذشته را ارزیابی می‌کند و برای آینده خود، آگاهانه تصمیم می‌گیرد. اصل الهی حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی خویش به صراحت در اصل پنجاهوششم قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است با این تصریح که «هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد».

در بخشی از این بیانیه آمده است: «اینک در این برهه خطیر تاریخی، وظیفه کارشناسان و فعالان سیاسی و اقتصادی و فرهنگی است که دانش و تجربه خویش را در اختیار مردم بگذارند و آنان را در این انتخاب سرنوشت‌ساز یاری دهند. در جمهوری اسلامی ایران، به موجب اصل یکصدوسیزدهم قانون اساسی، «رئیس‌جمهور پس از مقام رهبری، عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، به عهده دارد». پس کسی که در چنین جایگاه خطیری قرار می‌گیرد، باید نشان دهد که علاوه بر آن که مردم را حاکمان اصلی سرنوشت جامعه می‌داند، اساسی‌ترین مسائل مردم را می‌شناسد و راه‌حل اجرایی آن را می‌داند و توانایی به کارگیری کارآمدترین نیروهای جامعه را برای تحقق این راه‌حل‌ها دارد».

روحانی در ادامه نوشت: در میان انبوه مسائل و مشکلات ریز و درشت کشور، که رئیس‌جمهور باید بتواند با کمک مجموعه دستگاه‌های اجرایی به حل آن‌ها بپردازد، چند مسأله اصلی هست که حل آن‌ها می‌تواند، راهگشای دیگر مسائل باشد و رویکرد رئیس‌جمهور آینده، مسیر آینده کشور را ریل‌گذاری کند. در بخش دیگری از نامه رئیس‌جمهور یازدهم و دوازدهم آمده است: «من به عنوان خادم مردم در ۲۵ سال گذشته که ۸ سال آن را با رأی اعتماد شما در مسئولیت ریاست‌جمهوری گذراندم، وظیفه خود می‌دانم، تجربه‌ای را که اندوخته‌ام با صاحبان آن رأی پرافتخار در میان بگذارم و با اطلاع دقیق از سختی‌ها و موانع بی‌شمار در تحقق اراده مردم در این سمت، اولویت‌ها در «ملاک انتخاب رئیس‌جمهور» را مورد تصریح و تأکید قرار دهم. آنچه مهم‌تر از خصوصیات شخصی، جناحی و سلیقه‌ای اشخاص است، قدرت شناخت و توانایی آنان در سکانداری کشور برای حل مسائل اصلی ایران است. لذا مردم حق دارند که از مدعیان، دلیل بخواهند و داوری کنند».

به گفته او در عرصه انتخاب بالاترین مقام اجرایی کشور، احراز صلاحیت‌های عمومی از جمله التزام عملی به اصول دینی و سیاسی نظام-که از شرایط لازم تقبل هر مسئولیت اجتماعی است- کفایت نمی‌کند؛ بلکه فردی که خود را شایسته این سمت می‌داند به جای شرکت در مسابقه تظاهر به شرایط حداقلی باید برای مردم ثابت کند که دانایی و توانایی حل مسائل اساسی کشور را دارد. در حال حاضر مشکل اصلی مردم، گرانی کمرشکن و رشد ناچیز اشتغال در سال‌های اخیر است که در افزایش «شاخص فلاکت» در سال‌های اخیر نمایان شده است. کسی که می‌خواهد مسئولیت اجرایی کشور را به عهده بگیرد باید حداقل برای ۱۰ مسأله زیر راه‌حل روشن داشته باشد و بتواند این راه‌حل را محقق کند:

تجربه ۲۰ ساله اخیر در دولت‌های مختلف نشان داده که تحریم‌های ظالمانه بزرگ‌ترین مانع پیشرفت و عدالت در کشور بوده است و مهم‌ترین اقدام دولت باید تلاش عالمانه و عزتمندانه برای رفع تحریم‌ها باشد. در پس توفیقات بی‌نظیر کشور در افزایش تولید و کاهش تورم در سال‌های ۹۲ تا ۹۶ این خروج ترامپ از برجام بود که این روند را متوقف کرد. البته شکستن تحریم کار آسانی نیست ولی با اعتقاد راسخ به سیاست نه شرقی، نه غربی و رویکرد تعامل سازنده با جهان و استفاده از نیروهای توانمند، مؤمن و شجاع امکان‌پذیر است همچنان که در سال ۹۴ اتفاق افتاد. رئیس‌جمهور آینده برای رفع تحریم چه خواهد کرد؟



و چند نخری بودن ارز را سرچشمه رانت و فساد و انحراف منابع کشور می‌بینند و اصلاح قانونمند سیاست‌های تجاری و ارزی دولت را خواستارند. رئیس‌جمهور آینده برای اصلاح سیاست‌های پولی و ارزی چه خواهد کرد؟

طرح تحول سلامت، یکی از موفق‌ترین و ملموس‌ترین اصلاحات ساختاری بود که در جهت اهداف انقلاب و در خدمت به مردم به ویژه اقشار کم درآمد با استفاده از منابع حاصل از اصلاح سیاست انرژی تحقق پیدا کرد و امکان دسترسی مردم به خدمات درمانی در لحظه نیاز را فراهم کرد ولی متأسفانه در سال‌های اخیر تداوم شایسته‌ای نیافت. رئیس‌جمهور برای تأمین سلامت ارزان برای مردم چه خواهد کرد؟

وظیفه اصلی رئیس‌جمهور به موجب قانون اساسی، اجرای قانون اساسی است. حفظ جمهوریت نظام و تحقق فصل سوم قانون که تضمین «حقوق عامه» است، مصداق بارز این وظیفه است. متأسفانه برخی نهادها از جمله شورای نگهبان با خروج از اختیارات قانونی خود، در برخی موارد حق انتخاب آزادانه مردم را محدود کرده و از پاسخگویی به مردم سر باز زده‌اند. نیروهای مسلح در برخی موارد بی‌طرفی در انتخابات را رعایت نکرده و در امور سیاسی دخالت کرده‌اند و قوه قضاییه در برخی موارد، اصل استقلال قوا را مراعات نکرده است. رئیس‌جمهور برای اجرای تام و تمام قانون اساسی چه خواهد کرد؟

مردم ما جمهوری اسلامی را در کنار شعار استقلال و آزادی شناختند و پذیرفتند. تأمین آزادی‌های مدنی مردم تنها با قانونمندی امکان‌پذیر است و رفتارهای خودسرانه و تحمیل‌های غیرقانونی و سلب حقوق افراد و جمعیت‌ها، بیشترین لطمه را به حمایت و مشارکت مردم وارد آورده است. رئیس‌جمهور برای تضمین آزادی‌های مدنی چه خواهد کرد؟

انقلاب ما با نام اسلام آغاز شد و به پیروزی رسید و اسلام با آرمان به اوج رساندن کرامت‌های اخلاقی، دل‌های انسان‌ها را در گستره زمان و مکان شیفته خود ساخت. متأسفانه جریان افراطی و خودپسند، اخلاق سیاسی مبتنی بر توهمین و تهمت را بر فضای سیاسی جامعه تحمیل کرده است. موسم انتخابات، خودآینه تمام‌نمایی از اخلاق سیاسی رایج است. رذصلاحت برخی شخصیت‌ها، بدون هرگونه توضیح و تبیین برای مردم علاوه بر آنکه غیرقانونی است، رفتاری غیراخلاقی است که قبح استبداد و تحمیل نظر را می‌زاید و اعتماد مردم را می‌شکند. در تبلیغات و رقابت‌های انتخاباتی هم، عدم رعایت انصاف در دادن فرصت دفاع و توضیح به افراد مورد تعرض، پیام بی‌اخلاقی برای پیروزی را به جامعه مخابره می‌کند. اگرچه رعایت اخلاق اسلامی، وظیفه هر کسی است که در این نظام، مسئولیتی به عهده می‌گیرد ولی شایسته است، پرسیده شود که رئیس‌جمهور برای اعتلاء اخلاق در جامعه چه خواهد کرد؟

در پایان این نامه و ذکر ۱۰ اولویت مهم، روحانی تأکید کرد که پاسخ به سؤالات ده‌گانه فوق می‌تواند ملاکی برای ارزیابی و داوری به دست دهد که با محک کارنامه عملکرد نامزد، سنجیده شود و به انسان‌های آزاده و آگاه این سرزمین این امکان را بدهد که به آن کس که به تحقق این اهداف تعهد دهد و دانایی و توانایی خود را برای فراخوان نیروهای شایسته نشان دهد، رأی دهند و سهم خویش را در این وظیفه ملی ایفا نمایند.

دیدگاه: یادداشت روز

## صداهایی که باید شنیده شوند

درباره وضعیت فرزانه قره‌حسنلو



عمادالدین باقی  
جامعه‌شناس  
و پژوهشگر حقوق بشر

در خبرها آمده است که خانم فرزانه قره‌حسنلو در اعتراض به کاستی‌هایی در رسیدگی به امور درمانی‌اش دست به اعتصاب غذا زده است. من از جزئیات رسیدگی یا عدم رسیدگی به بیماری ایشان اطلاعی ندارم و سختم فراتر از موضوع و درباره اصل زندان اوست. دکتر حمید قره‌حسنلو ساکن کرج ولی خودش محکوم به ۱۵ سال حبس در یزد و همسرش محکوم به ۵ سال حبس در زندان وکیل‌آباد مشهد است.

جناب آقای اژهای، ریاست محترم قوه قضائیه در بدو تصدی قوه گفتید، می‌خواهید صداهای دیگر را بشنوید و دیدارهایی ترتیب دادید و دفترتان تماس‌ها گرفتند و نظرات مکتوب را مطالبه کردند. برخی بدگمان بودند و برخی خوش‌بین و البته زمان بهترین داور است. امروز قطعه‌ای از زمان است. به عنوان مشاور حقوقی وکلا و خانواده که بر جزئیات پرونده دکتر حمید قره‌حسنلو و همسرش فرزانه قره‌حسنلو اشراف دارد و صرفاً و صرفاً نگاه حقوقی دارد، باور دارم اگر خودتان شخصاً پرونده را با نگاهی بی‌طرفانه بخوانید و نه فقط گزارش ضابطین که دفاعیات متهمان و وکلا را هم ملاحظه کنید، تردید نخواهید کرد که این حکم مصداق ماده ۴۷۷ است.

شهادت‌نامه بیش از ۶۰۰ پزشک داخل کشور در نامه‌ای سرگشاده به رئیس قوه قضائیه که دارای نکات درخور توجهی بود نیز ایداً مورد توجه و اعتنا قرار نگرفت و این برخلاف وعده‌های نخستین بود. ولی حتی اگر هم سخن نگارنده را نادرست بدانید و بر رای صادره اصرار باشد باز هم این دو مسمول چند عفو صادره می‌توانستند باشند اما دریغ شد. پدر و مادری که فرزندان نوجوان و جوان دارند در دو زندان، آن هم در دو نقطه دوردست کشور در تبعید تحمل زندان می‌کنند که رنجی مضاعف است. اینان افرادی محبوب‌اند و صدای‌شان به جایی نرسیده تا اینکه مجبور به اعتصاب شده‌اند. هر صدایی را باید زودتر بشنویم که فردا دیر است. «شنیدن صداها» را از حالت شخصی، پیام‌ها و ارتباط‌های روزهای نخست درآوردید و نهادی فعال را در قوه بنا کنید که به راستی تظلم‌ها را بشنود و منتقل کند تا این نهاد باقیات‌الصاحات‌تان شود. تبدیل شدن این تدبیر به نهاد و مرجع رسیدگی مداوم، راهی برای ایجاد اعتماد و کمکی است به دستگاه قضا و خود قضات برای تحقق هدف عدالت. صدای چکاچک‌های انتخاباتی مانع شنیدن صداها و تاخیر در آن نشود.

@saazandeginews  
saazandeginews  
www.saazandegi.ir

